... فتحعلیشاه

... الاصفهانی



۱۴۱۹

[illegible]

محمد رضا میرزا ابن فتحعلیشاه

محمد حسن الحسینی الشیخ الاصفهانی







حمد بیحد و ثنای بیعد مالک الملکی را سزد که درجات
ارتفاع آفتاب عظمت و جلالش بدستیاری علاقه
و اسطرلاب فکر دقیق و مقیاس تحقیق احساس
حواس نشود وصلات صلوات نامحدود و وفود
درود نامعدود صاحب شریعتی را رسد که اعلا گنبد
خضرا و سنا فرش غبرا از غبار وجود باجود

آن خواجه دو سرای و واسطه وجود بود اعنی مسافر
سبحان الذی اسری و محرم حرم مکان
قاب قوسین او ادنی خاتم انبیا محمد مصطفی
صلی الله علیه و آله الاتقیا که آیت مضمون
لو کشف الغطا و صاحب لوای انا مدینة
العلم و علی بابها و مخصوص بنص انت منی
بمنزلة هرون من موسی زوج فاطمة الزهرا
علی المرتضی و اولاده الذین اذهب الله
عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا

حمد بیحد و ثنای بیعد مالک الملکی را سزد که ذرات
از مطلع آفتاب عظمت و جلالش بیشماری علاوه
و ادراکات فکر دقیق و مقیاس تحقیق احساس
خویش نشود و صلوات صلوات نامحدود و درود
درود نامعدود صاحب سریری را رسد که اعلای گنبد
خضرا بیشتر فرش عبر از عبر از وجود با جود

آن خواجه دوسرای و واسطه وجود بود اعنی مسافر
سفر سبحان الذی اسری و محرم حرم مکان
قاب قوسین او ادنی خاتم انبیا محمد مصطفی
صلی الله علیه و آله الاتقیا کاشف مضمون
لو کشف الغطا و صاحب مدلول انا مدینه
العلم و علی بابها و منصوص نص انت منی
بمنزله هرون من موسی زوج فاطمه الزهراء
علی المرتضی و اولاده الذین اذهب الله
عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا

۲ امّا بعد بر مرآت مهر صفات ضمیر منیر ارباب حکمت
و اصحاب بصیرت ظاهر و پیدا و روشن و هویداست
که آدمی زبدهٔ مصنوعات و عمدهٔ مخلوقات و افضل
نتایج قدرت و اکمل بدایع خلقت و فهرست
کتابخانهٔ وجود و سیمرغ آشیانهٔ کرم و جود است
زبان او فصیح و بیان او ملیح اطوار فطرت او
و رتبت ترکیب قالب او بدین ترتیب است که چون
نقطهٔ نطفه که اصل فرع آدمیت در قرار مکین متمکن باشد
از بارگاه آفرینش جل را فرمان واجب الاذعان

در رسد که تا در ماه اول آن قطره را بر ترتیب مخصوص
گرداند و از افراط رطوبت آن ماده را انجماد ثبوت
رساند آنگاه در ماه دوم از دیوان قضا جریان حکم
مشتری در رسد تا بتدریج لؤلؤ مذاب را لعل ناب
سازد و چون ماه سیم در آید فرمان ملک علام مریخ را
در رسد تا آن قطره خون را قوام تمام دهد و چون نوبت
بماه چهارم رسد آفتاب عالم تاب تکفل حال او
شود و در این وقت مرغ روح بقفس قالب در آید
و چون دور افلاک و سیر انجم بماه پنجم رسد زهره

زهرا ایدا کمی او رغبت نماید و ابواب حرکات بر روی
او گشاید و چون زهره ربط سرای چنگ از او بردارد
در ماه ششم عطارد قلم تربیت بسوی او جاری سازد
و قوای خامسه در زوایای اعضای او قرار دهد و چون
تدبیر ستاره دبیر بسر آید در ماه هشتم قمر رنگ [illegible] دکان
تکمیل نماید و بر تحمل صورت و تجمیل هیات او افزاید و کمال خلقت
حاصل آید لیکن بواسطه افراط رطوبت جرم ماه تری بر
مزاج او غالب شود پس باز از بارگاه قضا جریان
ستاره کیوان را فرمان واجب الاذعان در رسد

تا در ماه

تا در ماه نهم رطوبات زاید را از او دور گرداند
و شبستان وجود او را بنور تربیت خود منور دارد
وانگاه در ماه دهم بار نوبت تربیت بسعد اکبر رسد
و از پرتو این سعادت روی بمنزل عالم آورد و این
حرکت بر آنچه موافق طلوع درجه از درجات فلکی
اتفاق افتد تا آن درجه از کدام برج باشد از مطلع
مولود گویند و پوشیده نیست که مقصود اصلی از ایجاد
مرکز خاک و خلقت انجم و افلاک آنست که هر روز
اختری عالم افروز از افق اقبال و سعادت طالع گشته

جهان را باشعه جمال خود منور سازد و غنچه دلگشای
روح افزای آمال در گلشن مراد شگفته آید که دماغ
جهانیان را از شمایم جان پرور خود معطر نماید بنا علیه
مدتی بود مدید و عهدی بعات بعد که سیاحان عالم
بالا و کارکنان فلک مینا قطع منازل و طی مراحل
نموده طلب ذات با برکات مولودی فرخنده صفات
می نمودند که خورشید وار از افق شوکت و اقتدار طالع
گشته و مشتری کردار بر مسند دولت و اختیار در عرصه روزگار
قرار گیرد تا درین زمان سعادت اقران که مهر سپهر سلطنت

و شمس منطقه جلالت و ماه اوج ایالت و بدر منیر
ابهت فروزان کوکب سپهر سلطنت و شهریاری درخشان
اختر آسمان خلافت و تاجداری دوحه حدیقه ملکت
و کشورکشائی ثمره شجره دولت و جهان آرائی اختر تابان
سعادت و اقبال گوهر عمان دولت بیزوال حسام باهر
شوکت زاهره جوهر شمشیر حشمت باهره دره درج دولت
و بختیاری دری برج بسالت و کامکاری زینت
اورنگ امارت و برتری آراینده انجمن بسالت و نیک
اختری مفتاح ابواب نصرت و ظفر مصباح مشکوة فیروزی و فر

دارای دیار دارائی و اقتدار شاهزاده نامدار کامکار

شاهزاده محمد رضا میرزا

لازالت اقمار دولته طالعة من مطالع السعادة والاقبال
وما انفکت شموس شوکته ساطعة من مشارق الدولة والاجلال
از افق سعادت و اقبال طالع گشته از پرتو نور جمالش شعشعهٔ
خور و انجم در مشعلخان فلک مختفی گردیده و دست قدرتش گردون
طیلسان نیلی را بردای کافور فام تبدیل نموده و از اهتزاز
نسیم لطف عمیمش گلهای امانی و آمال در گلستان مراد عالمیان
شکفتن گرفته و چون بر اهل هر زمان واجب و لازم است

پادشاهان و ملوک را حفظ و حراست کنند و در پاس
داری و محافظت وجود ایشان نهایت بذل جهد بعمل آورند
چه ایشان سایهٔ لطف و مظهر تفضلات و رحمهٔ الهی اند و برگزیدهٔ او
و بهترین حفظ و حراستی مر ایشان را اعلام و اخبار از امورات
مجهوله است که نیامده و رفع ضرر آنها میکنند مانند آنکه در فلان
وقت فلان خلط از مادهٔ صفرا یا سودا یا دیگر اخلاط موافق
با اثرات فلکی در مزاج استیلا بهم خواهد رسانید یا آنکه فلان
واقعه در پیش خواهد آمد که باعث فساد امور مملکت و پریشانی
اوضاع خلایق خواهد بود یا محاربه یا نفاق خواهد شد

یا فلان دشمن قصد شما و مملکت شما خواهد کرد یا در فلان وقت
خشکسالی خواهد شد تا نخست ایشان مطلع شوند و قبل از ضرر
خلط کنند یا وقوع محاربه و قحط و حدوث مفاسد بنحو مناسبی
اصلاح و تدارک آن کنند و از بد حادثات و نیکها را اکتساب
و از مضرات احتراز و منفعات را اختیار نمایند که باعث رفع
مضرات و نیل سعادات گردد و انجام کار منجر بفساد نشود و این
بغیر از اطلاع از اوضاع فلکی و دلایل طالع ولادت و استخراج
دلایل قوی و ضعف کواکب نتواند بود لهذا این کمترین بندگان
ابن محمد حسین ابن بدیع الزمان محمد حسن الحسینی المنجم الاصفهانی

بنا بر پاس داری و محافظت وجود آن عاقبت محمود
خواستم که دلایل طالع خیریت مطالع ولادت کثیر السعادة را
علی وجه التحقیق والتدقیق استخراج نمایم تا اگر العیاذ بالله مخاطره
و نحوستی در پیش باشد قبل از وقوع اخبار رود که بوجه مناسبی
اسباب دفع ضرر آن جمع آید تا زیان و نقصانی روی نماید
و اگر سعادتی در پیش باشد نیز قبل از وقوع اعلام شود که بوجه
موافق اسبابی که باعث زیادتی سعادات باشد مهیا شود تا باعث
افزونی دولت و شوکت و سعادت گردد و شرعنه معتمدا بالله تعالی

و هو حسبی و نعم الموفق و المعین

ذکر زمان ولادت

از راصدان و مترصدان طلوع این آفتاب دولت
و حاضران و ناظران ظهور شعاع و نور این اختر
سعادت بنقل و کتابت چنان معلوم شد که چون مهر
سپهر سلطنت و خورشید افق حشمت عالم را بقدوم
بهجت لزوم مزین و محلی فرمود و جهان از ضیا وجود
و ولود منور و مجلی نموده شده بود از روز دوشنبه سوم
شهر ذی قعدة الحرام من شهور سنه ۱۲۱۱ ماضیه هجریه [illegible] ساعت و نیم
پس شروع باستخراج تواریخ میکنیم و تواریخ مشهور چهار اند

استخراج تاریخ عربی

برای دانستن مدخل سال مذکور از سالهای ماضیه هجرت
دویست و ده دویست و ده طرح کردیم با یکصد و شصت و یک
باقی ماند از او بر سی قسمت نمودیم پنج خارج شد و یازده باقی ماند
پس خارج قسمت را در پنج ضرب کردیم حاصل بیست و پنج شد
از آن نگاه داشتیم و در سالهای تامه باقی از قسمت بترتیب کلام
بهزیجیوح کادوط نظر کردیم چهار سال کبیسه بود و شش سال غیر کبیسه
عدد سالهای کبیسه را در پنج و غیر کبیسه را در چهار ضرب کردیم
و حاصل ضرب این که ۴۴ ست با آنچه نگاه داشته بودیم جمع نمودیم

و پنج بر حاصل افزودیم و از مجموع که هفتاد و چهار است هفت هفت
طرح کردیم چهار باقی ماند معلوم شد که مدخل محرم الحرام
امسال روز چهارشنبه بوده است و بجدول نیز عمل نمودیم
چنانچه از سر جدول رقم قه و از یمین جدول رقم ما را
گرفته در ملتقی هر دو نظر کردیم د بود پس حساب مطابق است
با جدول و بجهة دانستن مدخل ماه مطلوب عدد ماههای
تامه و تر را که آن پنج است تضعیف نمودیم و مضعف را با عدد
ماههای تامه شفع که آن پنج است جمع نمودیم و حاصل را که
پانزده است بر عدد مدخل سال افزودیم نوزده عدد حاصل آمد

هفت هفت از آن طرح کردیم پنج باقی ماند معلوم شد که مدخل
ماه مطلوب روز پنجشنبه بوده است و بجدول نیز در آمدیم چنانچه
از سر جدول ماههای عربی رقم مدخل سال و از یمین
جدول اسم ماه مطلوب طلب نموده در ملتقی هر دو ه بود
و این با عمل اول مطابق بود پس معلوم شد که روز ولادت
پنجم حسابی شهر ذیقعده است استخراج تاریخ رومی از عربی
خواستیم ابتدا تاریخ عرب را بار ور کنیم عدد سالهای تامه عربی
که هست ۱۲۱۰ در عدد ایام سال قمری که هست ۳۵۴
ضرب کردیم حاصل شد ۴۲۸۳۴۰ پس همان سالهای

تامه را بر سی قسمت کردیم خارج شد ۲ و باقی ماند ۱۰
پس خارج قسمت را در عدد سالهای کبیسه که یازده است
ضرب کردیم و حاصل را که هست ۲۲۰ با حاصل ضرب
اول جمع نمودیم شد ۴۲۸۷۸۰ پس در ایام باقی از قسمت
بترتیب بهزیجوح کادوط نظر کردیم چهار سال کبیسه بود از این مجموع
افزودیم شد ۴۲۸۷۸۴ پس عدد ایام ماههای تامه که آن ده است
با عدد روزهای ناقصه که آن پنج است جمع کردیم شد ۳۰۰
این را بر مجموع آخر افزودیم شد ایام تاریخ عرب ۴۲۹۰۸۴
پس ما بین تاریخ رومی و عربی که هست ۳۴۰۷۰۰ بر روزهای

تاریخ عرب افزودیم روزهای تاریخ رومی حاصل شد
۷۶۹۲۸۴ این را بر ۳۶۵ که عدد ایام سال شمسی است
قسمت کردیم خارج شد ۲۱۰۸ و باقی ماند ۳۶۴
یکعدد از خارج قسمت نقصان کردیم و ربعش بگرفتیم و چون
در گرفتش ربع سه عدد زاید آمد بعد از اضافه یکعدد ربع
بگرفتیم شد ۵۲۷ پس بعوض یکعدد که از خارج قسمت
نقصان کرده بودیم ۳۶۵ عدد بر باقی از قسمت افزودیم
حاصل شد ۷۲۹ پس ربع مزبور را از این نقصان کردیم
باقی ماند ۲۰۲ پس بجهة شش ماه رومی که دو تشرین و دو کانون

و شباط و آذر است ۲ ۸ ۱ از باقی طرح نمودیم ۲۰ عدد
باقی ماند معلوم شد که روز مطلوب هشتم نیسان ماه رومی
سنه ۲۱۰۸ ناقصه رومی بوده است و بجهة اعتماد بجدول
نیز عمل نمودیم چنانکه از جدول مجموعه تاریخ عربی بازاء غد
ایام مرفوعه برگرفتیم بود له دهر و بازاء ب از جدول
مبسوطه تاریخ عرب ایام مرفوعه برگرفتیم بود ٤ نط پس بازاء
شهر شوال از جدول شهور تاریخ عربی ایام مرفوعه برداشتیم
بود مه پس ایام ناقصه شهر ناقص را که آن نخست با مجموع
ایام مرفوعه جمع نمودیم شد الطما و این ایام مرفوعه

تاریخ عرب است پس ایام مرفوعه بین التاریخین را که هست
الطهر بر آن افزودیم ایام مرفوعه تاریخ رومی حاصل شد
دططح این در جدول سنین مجموعه و مبسوطه و شهور
تاریخ رومی معکوس کردیم چنانکه در جدول سنین مجموعه
تاریخ رومی اگر عددی از ایام مرفوعه تاریخ مطلوب نقصان
توان کرد بازاء غضس یافتیم [illegible] این را از ایام مرفوعه
اصل نقصان کردیم باقی ماند ٤ سه و نط باز در جدول سنین
مجموعه اگر عددی از ایام مرفوعه طلب نمودیم که از ایام مرفوعه
باقیه اسقاط کنیم بازاء ثم یافتیم ٤ ٧٤ کا ٤ این را از باقی
نقصان نمودیم ماند ٤٤ ... پس در جدول سنین مبسوطه تاریخ رومی اگر ایام مرفوعه طلب نمودیم که از باقی
آن روی اسقاط توان کرد بازاء د یافتیم ٤٤ ل این را از باقی دوم نقصان کردیم ماند

دوم نقصان کردیم بماند ۲۲۰۳ پس در جدول شهور تاریخ

رومی اکثر عددی از ایام مرفوعه طلب نمودیم که از باقی تقسیم

اسقاط کنیم بازاء آذر ماه رومی یافتیم ۲۰ این را از باقی

ثالث اسقاط کردیم باقی ماند ۵ پس در جدول سنین مجموعه

و مبسوطه تاریخ رومی را جمع کردیم شد بغقد معلوم شد

که روز مطلوب هشتم نیسان ماه رومی سنه بغفج ناقصه

اسکندریه است و این با عمل اول مطابق باشد استخراج

تاریخ فارسی از تاریخ عربی تاریخ عرب را چنانکه سابق کردیم بود ۴۲۹۰۸۳

بر ... ایام بین التاریخین را که هست ۳۶۲۴ از آن نقصان

نقصان کردیم ایام تاریخ فارسی باقی ماند ۴۲۵۴۶۰

این را بر سیصد و شصت و پنج قسمت کردیم سالهای تامه

فارسی خارج شد ۱۱۶۵ و باقی ماند از قسمت ۲۶۵

این را بر سی قسمت کردیم ماههای تامه فارسی خارج شد

۷ و باقی ماند ۲۵ پس معلوم شد که روز مطلوب بیست

و پنجم ابانماه قدیم سنه ۱۱۶۶ ناقصه است و بجدول غیر عمل

نمودیم باین طریق که ایام مرفوعه بین التاریخین را که ۳

۱۴۱۷ از ایام مرفوعه تاریخ عرب که بود ۱۱۷۲ نقصان

کردیم ایام مرفوعه تاریخ فارسی باقی ماند ۱۱۴ این را در

جدول سنین مجموعه و مبسوطه و شهور تاریخ فارسی معوّش

نمودیم چنانکه در جدول سنین مجموعه آن تاریخ اکثر عددی از

ایام مرفوعه اصل اسقاط توان کرد بازا غقتم یافتیم اله له ٤

این را از ایام مرفوعه تاریخ مطلوب نقصان کردیم باقی ماند

٤.ل.٠ پس در جدول سنین مبسوطه تاریخ فارسی اکثر عددی از

ایام مرفوعه طلب نمودیم که از ایام مرفوعه باقیه اسقاط کنیم

بازاء سه یافتیم ٤.ل.٠ این را از باقی نقصان کردیم باند ٤٤ وثه

پس در جدول ماههای تاریخ فارسی اکثر عددی از ایام مرفوعه طلب نمودیم که از باقی ثانی نقصان کنیم بازا [illegible]

مهرماه ح ل این را از باقی ثانی نقصان کردیم باقی ماند

سه پس سنین مجموعه و مبسوطه تاریخ فارسی که خارج شد

جمع نمودیم شد غقسه معلوم شد که روز مطلوب

بیست و پنجم ابانماه قدیم سنه غقسو ناقصه است و این

با عمل اول مطابق باشد استخراج تاریخ جلالی از عربی

تاریخ عرب چنانچه سابق بار روز کردیم بود ۴۲۹۰۸۳

ایام بین التاریخین را که هست ۱۶۶۲۹۷ از ایام تاریخ

عرب نقصان کردیم روزهای تاریخ ملکی باقی ماند ۲۶۲۷۸۶

این را در جدول ایام سالهای تامه ملکی معوّش

کردیم بیرون آمد ذ و بازاء آن بود از ایام ۲۵۵۶۶۹

وارکسور ۶۹۹۶ عر پس یکعدد از صحاح اصل برداشته

بشصت قسمت کردیم وکسور را ازان نقصان نمودیم وصحاح

را از باقی صحاح اصل اسقاط کردیم باقی ماند از ایام ۲۱۰۰۰

مهح وازکسور لد م این را باز در آنجدول معکوس کردیم

بیرون آمد ازسالها ف وبازاء ان بود ایام ۲۵۶۳

وازکسور سه له هر باز از صحاح باقی یکعدد برداشته بشصت

قسمت کردیم وبر کسور باقی افزودیم وایام وکسور را از

باقی عمل اول نقصان کردیم بماند از ایام ۳۶۹۲ وازکسور

٤٤ نامر این را باز در همان جدول معکوس کردیم بیرون

آمد ازسالها ے وبازاء ان بود از ایام ۱۲۹۲

وازکسور نزمه ٤ لو باز یکعدد از صحاح باقی برداشته بشصت

قسمت کردیم وبر کسور باقی افزودیم وایام وکسور را از

باقی عمل ثانی اسقاط کردیم بماند از ایام ۲۴ وازکسور زاله نا م

پس بجهة فروردینماه جلالی سی روز از ایام باقی نقصان کردیم

باقی ماند از ایام ۱۲ پس کسور زایده را یکروز گرفته بر آن افزودیم

معلوم شد که روز مطلوب ۱۳ از اردیبهشتماه جلالی سنه ۷۱۹

ما فصه است والله اعلم بالصواب ذکر مکان ولادت حضرت السعادة

همیون این ولادت شریف در بهترین بقعه ونیکوترین مکانی

بوده از اقلیم سیم اعنی دار العلم بلده شیراز که طول او

ازجزایر خالدات دریای مغرب ٤ ٤ واین اقصر قوسی است

ازدایره معدل النهار میان نصف النهار بلد ونصف النهار

جزایر خالدات وعرضش ازخط استوا کط لو واین

اقصر قوسی است ازدایره نصف النهار میان سمت الرأس

بلد وسمت الرأس خط استوا استخراج ساعات نصف النهار

روز ولادت تقویم آفتاب در نصف النهار روز ولادت

ا یا یه مطالع تقویم آفتاب بعرض بلد را گرفتیم بود کط م مه

پس مطالع تقویم آفتاب بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی

گرفتیم بود فکج ومه مطالع بلدی تقویم آفتاب را از مطالع

استوائی آن نقصان کردیم باقی ماند ط د ٤ واین نصف

النهار است در روز ولادت پس تقویم آفتاب بنصف النهار

النهار مقدم حاصل نموده بودیم بود ا ـ ی مطالعش

بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی فکو وس این را از

مطالع استوائی جزو آفتاب بنصف النهار موضر اسقاط

کردیم بماند ن ح این را ٧ قسمت کردیم وخارج قسمت راکه

هست ٠ ٨ براجزای یکساعت افزودیم اجزای یکساعت حقیقی

حاصل شد ٨ ٠ ٥ پس نصف قوس النهار روز ولادت را

برآن قسمت کردیم ساعات نصف النهار روز ولادت

خارج شد دله ط [انحراف طالع تخمین] ساعات ولادت تخمینی
[ا ل] اجزای یکساعت حقیقی روز ولادت [ه ۰ ح] ساعات
ولادت را در اجزای یکساعت حقیقی ضرب کردیم در حاصل
شد [سط له ل] تقویم آفتاب بنصف النهار مقدم بر وقت
طلوع روز ولادت [ا سو] و بنصف النهار موخر [ا ا ه]
بهتش کرفتیم بود [ح] این را در ساعات نصف النهار روز ولادت
که بود [د له ل] ضرب کردیم حاصل شد [دکا ح] حاصل ضرب را
بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد [ه ت] این را از
تقویم آفتاب بنصف النهار موخر نقصان کردیم تقویم او بوقت

طلوع باقی ماند [اح د] مطالعش بعرض بلد ولادت گرفتیم
بود [کط لا ه له] این را با دایر جمع نمودیم شد مطالع طالع
[ند مه ۰] این را در جدول مطالع البروج عرض بلد ولادت معکوس
کردیم شد طالع [۰ د ح] باز همین مطالع طالع را در جدول
مطالع البروج بفلک مستقیم معکوس کردیم شد مرکز بیت
عاشر [ط له و] [ذکر نمودار بطلمیوس حکیم] اصل این نمودار مبنی بر کلمه
سی و ششم است از کتاب ثمره که میفرماید [المستولی علی مکان]
[الاجتماع فی [illegible] ذلک الاجتماع [illegible]]
و طریق عمل باین نمودار آنست که چون طالع و عاشر تخمین عمل شد

جزو اجتماع یا استقبال مقدم بر ولادت بدست آورند
و جزو اجتماع همیشه موضع قران نیرین باشد و جزو استقبال
بروز موضع شمس و بشب موضع قمر و مستولی بر جزو مقدم وقت
ولادت مشخص کنند و مستولی بر جزو کوکب است از ارباب
اندرجه که ناظر باشد باو بقران یا تسدیس یا تربیع یا تثلیث
یا مقابله و حظ او در آن درجه از دیگر کواکب ناظره بیشتر باشد
و بعضی اتصال محل را نیز شرط دانسته اند و کواکب دیگر را
که در آن درجه حظی داشته باشد شریک مستولی اعتبار کرده اند
و اگر بعد کوکب از درجه بقدر حد نظر و نصف جرم او باشد

باشد آن نظر را اعتبار کنند اگرچه بتحقیق نظر بآن نرسیده است
و اگر از ارباب حظوظ هیچ کوکب ناظر نباشند آنجا مستولی
نباشد و بمذهب بطلمیوس در این حال ساقط میشود و حظوظ کواکب
که بجهة پیدا کردن مستولی اعتبار میکنند هفت است اول خانه
و از او پنج شهادت اعتبار کنند دوم شرف و از او چهار
شهادت اعتبار کنند سیم حد و از انچ شهادت اعتبار نماید
چهارم مثلثه اولی و او را چهار شهادت حساب کنند پنجم
مثلثه ثانی و او را سه شهادت محسوب دارند ششم وجه
و از او دو شهادت اعتبار کنند هفتم مثلثه ثالثه و از او یک

شهادت حساب نماید و گفته اند که هر که صاحب حظ که در خط خود
باشد درجه شهادت او مضاعف گردد و چون مستولی
بر جزو مقدم معلوم شود تقویم آن بوقت ولادت استخراج
کنند نظر کنند اگر درجه کوکب مستولی بدرجه طالع تخمین
نزدیکتر از درجه عاشر باشد درجه طالع مثل آن کنند و مطالع
انرا به بلد حاصل نموده در جدول مطالع البروج بفلک مستقیم
محسوب من اول الجدی معوس کنند عاشر بیرون آید و اگر
بدرجه عاشر نزدیکتر باشد درجه عاشر مثل درجه کوکب نمایند
و مطالعش بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی بگیرند و در

جدول مطالع البروج عرض بلد معوس کنند طالع مصحح باین نمودار
بیرون آید و اگر درجه مستولی از درجه طالع یا عاشر بسیار دور افتاده
باشد و یکی از کواکب شریک مستولی نزدیکتر از آن باشد درجه
آن وتد که بان نزدیکتر باشد مثل تقویم آن کوکب گردانند
و باقی عمل از این با تمام رسانند مثال عمل نمودار بطلیموس حکیم
چون ولادت شریف در نیمه اول ماه اتفاق افتاده طالع اجتماعی
باشد پس جزو اجتماع مقدم استخراج کردیم بود اد نز لا
مستولی بر جزو بوقت ولادت [illegible] بود تقویم آن بوقت
ولادت استخراج کردیم بر این موجب تقویم زهره بنصف النهار

مقدم ا ط تقویم زهره بنصف النهار مؤخر ا ح نط بهبت زهره
ا له ساعات ولادت ا ل ساعات نصف النهار
و له بعد مستقبل ه ه بهبت زهره را در ساعات بعد ضرب
کردیم و حاصل را که هست د و ه بر شصت و چهار قسمت کردیم
خارج شد ه ه ج این را از تقویم زهره بنصف النهار مؤخر نقصان
کردیم تقویم زهره بوقت ولادت باقی ماند ا د ح چون
درجه تقویم زهره بدرجه طالع بحسب اقرب از درجه عاشر است
درجه طالع مثل آن نمودیم شد طالع محقق بحسب این نمودار
ی د ح مطالع طالع بعرض بلد ولادت حاصل نمودیم شد

ع ف ج این را در جدول مطالع البروج بفلک مستقیم محسوب
من اول الجدی متوسس کردیم شد عاشر ح ه له واین درجه
طالع و عاشر است بحسب نمودار بطلمیوس حکیم حیث قال
[illegible] هرمس الهرامسه از بیشتر روایات معلوم میشود که او
ادریس نبی علیه السلام است و اهل روم او را هرمس هرامسه
گویند و حکمای فرس او را سه بار مهر خوانند و گویند المثلث
بالنعم یعنی پیغمبر و حکیم و پادشاه و چون حق سبحانه و تعالی جل شانه
احوال فلکی بروی روشن ساخته بود فرمود که ورفعناه مکانا
علیا و باین سبب این را ادق النمودارات خوانند و میرزی

شهید میفرمایند بقیاس نزدیکتر نمودار هرمس الهرامسه است
و والیس اسکندرانی و دوروتیوس مصری و دیگر حکمای
بر صحت این نمودار اتفاق کرده اند و این نمودار را نمودار مسقط
نطفه نیز خوانند و از صاحب این نمودار منقول است که همیشه
موضع قمر در وقت ولادت طالع زمان سقوط نطفه باشد
و موضع قمر در زمان سقوط نطفه طالع زمان ولادت باشد
و مصدق این مقال کلام هرمس الهرامسه است که در کتاب
اساس فرموده ان موضع القمر عند الولادة الطالع المسقط وعند المسقط
الطالع الولادة و حکیم بطلمیوس انمیغی در کتاب ثمره یاد نموده باین عبارت

کان موضع القمر فی المولد هو جزء الطالع فی مسقط النطفة وموضع القمر فی
مسقط النطفة هو جزء الطالع فی الولادة و این لازم آمد که اگر قمر در درجه طالع باشد
در مدت مکث مولود ادوار تامه قطع کرده باشد و اگر بر افق
درجه سابع باشد ادوار تامه قطع کرده باشد با زیادت
نصف دور یا کمتر و در این دو حال درجه تخمینی درست باشد
و گویند که مولود نه ماهه را ده دور است و ده ماهه را یازده
دور و همچنین بیست ماهه را و هفت ماهه را هشت دور قمر و مدت
یک دور قمر بعد امیر کبرالع یک بیست و هفت شبانروز و هفت
ساعت و چهل و سه دقیقه و چهار ثانیه و ی و سه ثالثه پس بر این تقدیر

که ما گفتیم حرکت اوسط در نه ماهه باشد رنح ٥٠ ه و ده ماهه شوس نوه
و در هشت ماهه رم کا ٩ ما و در هفت ماهه رنج ٥ ١١ و حرکت اعظم
در هر یک ازین ماها بنصف دور زیاده است و حرکت اصغر بنصف
دور کمتر و نصف دور سیزده روز است و نوزده ساعت
و هشت دقیقه و سی و هفت ثانیه و شانزده ثالثه و نیم و اگر قمر
فوق الارض باشد ادوار تامه قطع کرده باشد الا قوسی که از
موضع قمر است تا درجه طالع بر توالی و اگر تحت الارض باشد
ادوار تامه قطع کرده باشد با زیادتی قوسی که از درجه طالع است
تا موضع قمر بر توالی و بر منجم لازم است تحقیق آنکه مولود نه ماهست

یا ده ماهه یا غیر آن و در تحقیق آن قواعد بسیار است و اصح از همه قواعد
این است که چون طالع تحویل استخراج کرده باشند و طالع
اجتماع یا استقبال مقدم و جزو او را بدست آورده باشند
دایره فلک البروج را سه قسم مختلف کنند قسم اول از درجه طالع
تا تمامی سه برج قسم دوم از انجا تا تمامی چهار برج قسم سیم از انجا تا
تمامی پنج برج تا بدرجه طالع باز رسد که مجموع این اقسام
دوازده برج باشد بعد از ان نظر کنند بجزو مقدم و طالع او
اگر هر دو در یک قسم اتفاق افتاده باشند از این اقسام
یا طالع در قسم اول افتاده و جزو در قسم دوم مولود نه ماهه آ

واکر جزو در قسم دوم یا جزو مقدم در قسم سیم و طالع او در قسم دوم
مولود هفت ماهه است واکر جزو مقدم در قسم اول و طالع او در قسم سیم
بالعکس باشد مولود هشت ماهه است و اورا بقا نباشد الا
انکه خدا خواسته باشد پس چون معلوم کشت که مولود
که چند ماهه است اکر نه ماهه است و قمر فوق الارض باشد
موضع قمر از درجه طالع نقصان کنیم و اکر تحت الارض باشد
طالع را از موضع قمر اسقاط کنیم انچه باقی ماند برج را تجنیس کنیم
بدرو چون درجات از شصت متجاوز نشود دیکر فوع مره کیریم
و بر سیر یکروزه وسط قمر که هست یج ـ له تا به قسمت کنیم

خارج قسمت ایام باشد و باقی قسمت اکر باشد در
بیست و چهار ضرب کردیم و باز بر سیر وسط مذکور قسمت
کنیم تا ساعات و اجزاء آن حاصل آید پس مجموع ایام
و ساعات و دقایق را از دوار تامه محقق نقصان کنیم
اکر قمر فوق الارض باشد و بیفزاییم اکر تحت الارض باشد
تا مدت مکث مولود در رحم معلوم شود پس این مدت را از
زمان ولادت باز پس رویم انجا که منتهی شود زمان سقوط نطفه
پس بنکریم که موضع قمر ولادت در زمان سقوط نطفه چه وقت
طلوع میکند اکر موضع قمر ولادت در شبانروز مسقط در روز

بعد از نصف النهار یا در شب بعد از ان طلوع کند تقویم شمس

در نصف النهار همان روز استخراج کنیم و اکر قبل از نصف

النهار طلوع کند در نصف النهار روز پیشتر پس مطالع تقویم شمس

بفلک مستقیم ابتدا از اول جدی از مطالع قمر ولادت

به بد نقصان کنیم و اکر نقصان نتوان کرد دور بر آن افزاییم و

نقصان کنیم تا دایر ماضی از نصف النهار که تقویم شمس

بان استخراج کرده باشیم معلوم شود پس دایر را از اجزای

یکساعت حقیقی شبانروز ولادت منقسط قسمت کنیم تا ساعات

بعد حاصل شود باین ساعات تقویم قمر استخراج کنیم اکر

بطالع تخمین نزدیک باشد طالع بحسب این نمودار باشد

و اکر دور افتد یکروز پیشتر یا پیشتر همان عمل باید کرد تا تقویم قمر نزدیک

بطالع تخمین حاصل شود و این تقویم قمر طالع ولادت باشد

و اکر دایر ماضی از مطالع جزو شمس بفلک مستقیم محسوب

من اول الجدی نقصان کنند مطالع طالع سقوط نطفه حاصل شود

اس را در جدول مطالع البروج عرض بلد ولادت معکوس کردیم

طالع سقوط نطفه بیرون آمد و مراکز بیوت آن طالع و مواضع کو

کواکب تحقیق باید کرد **مثال** طالع تخمین چنانچه سابق استخراج

کردیم بود ٠ د ه دور فلک البروج را به قسم مختلف ساختیم

قسم اول از درجه طالع تا هفت درجه برج سنبله قسم دوم از هفت

درجه سنبله تا هفت درجه برج جدی تا درجه طالع پس جزو اجتماع

قسم سیوم از هفت درجه جدی

بدست آورده بودیم بود و طالع اجتماع او آخر برج دلو بود نظر کردیم بهره در

یکقسم از اقسام سه گانه واقع شده اند معلوم شد که مولود نه ماهه است

و مدت مکث او در رحم ده دور قمر است و چون قمر ولادت تحت الارض

دانسته شد که قمر در مدت مکث مولود در رحم ده دور قطع کرده باز ماده

قوسی که از درجه طالع تا موضع قمر است بر تو ا پس تقویم قمر ولادت

استخراج کردیم بر این موجب تقویم قمر در نصف النهار مقدم ۰ کا

و در نصف النهار موخر ... هست ... ساعات ولادت ا

ساعات نصف النهار د له بعد مستقبل ۰ این را در هبت

قمر ضرب کردیم و حاصل را که هست ا ... ز قسمت

کردیم خارج شد ... این را از تقویم قمر نصف النهار موخر اسقاط کردیم

تقویم قمر وقت ولادت باقی ماند ... پس درجه طالع تخمین را از موضع

قمر ولادت نقصان کردیم بماند ... این را بر سیر کرده وسط قمر که هست

... له قسمت کردیم خارج شد از ایام ... روز و باقی ماند از قسمت ...

این را در ... ضرب کردیم و حاصل را باز بر سیر کرده وسط قمر قسمت کردیم ساعات

و دقایق خارج شد ... و چون قمر تحت الارض است مجموع ایام

و ساعات و دقایق را بر مدت مکث وسطه ماه که هست

نح ه ه م ثانیه افزودیم مدت مکث مولود در رحم حاصل شد نعه ط ه م

این مدت را از زمان ولادت باز گشتیم انجامید بروز شنبه

بیست و چهارم هلالی و بیست و پنجم حسابی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۱۱

مطابق با روز سیزدهم مرداد ماه جلالی سنه ۷۱۸ ماقصه چون موضع

قمر ولادت قبل از نصف النهار از وقت طلوع بیشتر و تقویم شمس

بنصف النهار مقدم استخراج کردیم بود ه دم مطالعش بفلک

مستقیم محسوب من اول الجدی نط ه مطالع بلدی قمر ولادت

ق ل ه مطالع باقیه تقویم شمس را از مطالع قمر ولادت بعد از اضافه

دور نقصان کردیم باقی ماند ده نه این را باجزای یک ساعت حقیقی شبانروز

مسقط که بیست ۹۰ه قسمت کردیم ساعات بعد ماضی

و کسور آن خارج شد ه و کا لط پس باین ساعات تقویم قمر

مسقط استخراج کردیم بر این موجب تقویم قمر بنصف النهار

مقدم ا لہ لد تقویم قمر بنصف النهار موخر ۰ ل بهت قمر

ه نا ساعات بعد ه و کا لط بهت قمر را در ساعات بعد ضرب

کردیم حاصل شد [illegible] حاصل را بر بیست و چهار قسمت

کردیم حصه بهت قمر از نصف النهار مقدم تا وقت قمر

ولادت خارج شد [illegible] خارج قسمت را بر تقویم قمر

بنصف النهار مقدم افزودیم تقویم قمر بوقت طلوع قمر

ولادت حاصل شد. دمه و این طالع ولادت باشد

مصحح بمنودار هرمس الهرامسه ذکر منودار ماشاء الله مصری از

اکثر روایات چنین معلوم میشود که او یوسف پیغمبر علیه السلام است

واصل این منودار آنست که او در کتاب مدخل خود آورده

که الجزو المعدل یکون دائما من الجزو فی بن الغیر المعدل لبن ه

بناء علیه تفاوت میان طالع مصحح بمنودار بطلمیوس و

طالع مصحح بمنودار هرمس الهرامسه باید گرفت و تضعیف نمود

و نصف را بر اقل باید افزود یا از اکثر نقصان باید

کرد تا درجه مصحح بمنودار ماشاء الله مصری معلوم گردد و

و منجمان طالع مصحح باین منودار را اصح دانند و مدار احکام

و سایر اعمال حسابی بر او می نهند مثال طالع مصحح بمنودار بطلمیوس

. ی و ه طالع مصحح بمنودار هرمس . د و کو تفاوت میانها کر

گرفتیم بود ه ه و این را تضعیف کردیم شد . . ه مضعف را

بر طالع بمنودار بطلمیوس افزودیم و از طالع مصحح بمنودار هرمس

نقصان کردیم طالع مصحح بمنودار ماشاء الله مصری حاصل شد

. . ه ه م مطالع این طالع بعرض بلد ولادت گرفتیم شد ه لو این

را در جدول مطالع البروج بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی

معکوس کردیم شد عاشر ... ط استخراج تسویة البیوت

بطریق مشهور مطالع طالع بعرض بلد ولادت چنانچه سابق ا

استخراج کردیم بود ه یط د مطالع طالع بفلک مستقیم محسوب

من اول الجدی گرفتیم شد قو ه مه مطالع بلدی طالع را

از مطالع آن بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی نقصان

کردیم باقی ماند قح ا ل این نصف قوس النهار درجه طالع

است بر سه قسمت کردیم ثلثش خارج شد له مه که این سدس

قوس النهار درجه طالع است بر مطالع طالع بعرض بلد ولادت

افزودیم شد مطالع حادی عشر قه ط له باز سدس قوس

النهار را بر مطالع حادی عشر افزودیم شد مطالع ثانی عشر

قط کط نز پس شصت درجه که سدس دور است بر مطالع

ثانی عشر افزودیم شد مطالع ثانی قعط کط نز باز صد و بیست

درجه که ثلث دور است بر مطالع حادی عشر افزودیم شد مطالع

ثالث رنه ط له پس این مطالعات را در جدول مطالع البروج

بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی مقوس کردیم شد

مرکز حادی عشر [illegible] مرکز ثانی عشر ا ا م ط مرکز ثانی [illegible]

مرکز ثالث [illegible] و چهار خانه دیگر از نظایر این چهار خانه معلوم است

استخراج تسویة البیوت بعمل منجمان طالع مصحح نموداری ماشاء الله

[illegible] رابع مصحح [illegible] تفاوت بین طالع و رابع

ن لو ند تفاوت را بر سه قسمت کردیم ثلثش خارج شد
کا ن ط این را بر طالع مصحح افزودیم شد مرکز ثانی ط ز م
ن ی بار ثلث را بر مرکز ثانی افزودیم شد مرکز ثالث
ا ک ی پس شصت درجه که سدس دور است از مرکز
ثانی اسقاط کردیم باقی ماند مرکز ثانی عشر ط ز م بار صد و
بیست درجه که ثلث دور است از مرکز ثالث نقصان
نمودیم شد مرکز حادی عشر یا ک ا و خانهای دیگر نظایر
این خانهای معلوم است **استخراج ساعات ولادت بحسب**
طالع مصحح بموجب ما سبق مطالع طالع بعرض بلد ولادت

ب ط د مطالع استوائی تقویم آفتاب بنصف النهار
مقدم ک ر د ن مطالع تقویم آفتاب را از مطالع طالع اسقاط
نمودیم باقی ماند د فع نا این دایر است از نصف النهار
مقدم تا زمان ولادت تا اجزای یکساعت حقیقی شبانروز
ولادت ن ٠ ۸ دایر را بر اجزای یک ساعت حقیقی
قسمت کردیم خارج شد ٤ ٤ ن و این ساعات ولادت
باشد گذشته از نصف النهار مقدم و قومنا علیه النیرین
والکواکب المتحیره والثوابت والسهام والعقدتین وسایر
الاعمال المتعلقة بها **استخراج تقویم آفتاب وقت ولادت** تقویم آفتاب

بنصف النهار مقدم ا ـ د تقویم افتاب بنصف النهار مؤخر

ا ا ط بهتش گرفتیم شد نو دقیقه ساعات بعد ط این

در بهت شمس ضرب کردیم حاصل شد ما ر حاصل ضرب را

بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد ح ط این را بتقویم

افتاب بنصف النهار مقدم افزودیم تقویمش بوقت ولادت

حاصل شد ا ا لا ا استخراج تقویم قمر تقویم قمر بنصف النهار

مقدم ٠ ٧ کا تقویمش بنصف النهار مؤخر ح ط ح بهتش

گرفتیم بود ح ح ساعات بعد ماضی ط ساعات

بعد را در بهت قمر ضرب کردیم و حاصل را که بیست

ط لو لو بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد ما ا ا ا این را

بر تقویم قمر بنصف النهار مقدم افزودیم تقویم قمر بوقت

ولادت حاصل آمده ح ٠ ط ا ا استخراج تقویم زحل

تقویم زحل بنصف النهار مقدم ٠ ٩ ما تقویم زحل بنصف النهار

مؤخر ٠ ٩ مر بهت زحل د ساعات بعد ماضی ط بهت زحل را

در ساعات بعد ضرب کردیم حاصل شد الله نه حاصل ضرب را

بر ٧ قسمت کردیم و خارج را که بهت ح ٠ بر تقویم زحل بنصف

النهار مقدم افزودیم تقویم زحل بوقت ولادت

حاصل شد ٠ ٩ ح ح استخراج تقویم مشتری تقویم مشتری بنصف

النهار مقدم ٤ د ٮ تقویمش بنصف النهار موخر ٤ د د

بهت مشتری ٥ ساعات بعد ماضی ٤ ط ساعات بعد را

در بهت ضرب کردیم حاصل شد ٨٠ کد حاصل ضرب را

بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد ٣ ط این را بر

تقویم مشتری بنصف النهار مقدم افزودیم تقویمش بوقت

ولادت حاصل آمد ٤ د ه ط استخراج تقویم مریخ تقویم

مریخ بنصف النهار مقدم ٠ ٣ ٧ تقویم مریخ بنصف النهار

موخر ٠ ٥ ه بهت مریخ م ساعات بعد ماضی ٤ ط

بهت مریخ را در ساعات بعد ضرب و حاصل ضرب را که هست

٣ ل م بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد لا کد

خارج قسمت را بر تقویم مریخ بنصف النهار مقدم افزودیم

تقویمش بوقت ولادت حاصل آمد ٠ ٣ نه کد ا استخراج تقویم زهره

تقویم زهره بنصف النهار مقدم ا ٠ م تقویم زهره بنصف النهار

موخر ا ح نط بهت زهره ا ه ساعات بعد ماضی ٤ ط

بهت زهره را در ساعات بعد ماضی ضرب کردیم حاصل شد

٨ ٣ کد حاصل را بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد ٤ ا

خارج قسمت را بر تقویم زهره بنصف النهار مقدم افزودیم تقویمش

بوقت ولادت حاصل شد ا ح ح ا استخراج تقویم عطارد

تقویم عطارد بنصف النهار مقدم [illegible] تقویم عطارد بنصف

النهار مؤخر [illegible] بهت عطارد [illegible] ساعات بعد ماضی

[illegible] بهت را در ساعات بعد ماضی ضرب کردیم حاصل شد

[illegible] حاصل ضرب را بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد

[illegible] خارج قسمت را بر تقویم عطارد بنصف النهار مقدم

افزودیم تقویمش بوقت ولادت حاصل شد [illegible] استخراج

موضع راس و ذنب موضع راس بنصف النهار مقدم [illegible]

و بنصف النهار مؤخر [illegible] بهتش باشد [illegible] دقیقه ساعات

بعد ٤ [illegible] بهت راس را در ساعات بعد ضرب

کردیم حاصل شد [illegible] حاصل را بر [illegible] قسمت کردیم خارج

شد [illegible] دقیقه خارج را از تقویم راس بنصف النهار مقدم

نقصان کردیم تقویمش بوقت ولادت باقی ماند [illegible]

و موضع ذنب مقابل راس باشد [illegible] استخراج

طالع سقوط نطفهٔ مبارکه تقویم آفتاب بنصف النهار

مقدم بر زمان سقوط [illegible] مطالعش بفلک مستقیم

محسوب من اول الجدی [illegible] تقویم قمر بوقت

ولادت [illegible] مطالعش بعرض بلد ولادت [illegible]

مطالع تقویم شمس را از مطالع بلدی قمر ولادت

بعد از اضافه و نقصان نمودیم دایر ماضی از نصف النهار
رو رهل از سقوط تا بوقت آن باقی ماند زمه نه این را بر مطالع
تقویم آفتاب بنصف النهار مقدم بر سقوط افزودیم
مطالع طالع سقوط نطفه حاصل آمد قد ا کد این را در جدول
مطالع البروج عرض بلد ولادت منقوس کردیم شد
طالع سقوط نطفه د ه نو ا باز همین مطالع طالع را در جدول
مطالع البروج بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی
منقوس کردیم شد عاشر سقوط یا کا کد عشک قوس البروج
بطریق مطالع طالع بعرض بلد ولادت قد ا کد

مطالع طالع بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی قفو ید
ج ه ف تفاوت بین المطالعین ند مه ط این نصف
قوس النهار درجه طالع باشد بر سه قسمت کردیم سدس
قوس النهار درجه طالع خارج شد له کد مه این را بر مطالع
بلدی طالع افزودیم مطالع حادی عشر حاصل آمد
قو یه ط باز سدس قوس النهار را بر مطالع حادی
عشر افزودیم شد مطالع ثانی عشر قما کا پس شصت درجه
بر مطالع ثانی عشر افزودیم شد مطالع ثانی ز ما کد
باز صد و بیست درجه بر مطالع حادی عشر افزودیم شد مطالع

ثالث ز له یه پس این مطالعات را درجدول مطالع البرج
بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی معکوس کردیم شد
مرکز حادی عشر یه ند ما مرکز ثانی عشر و لط لی مرکز ثانی ح که یه یه
مرکز ثالث یه ک لا ح و مراکز خانهای دیگر نظایر این خانهای
معلوم است استخراج مقادیر کواکب در وقت سقوط نطفه
ساعات گذشته از نصف النهار مقدم تا زمان سقوط نطفه چنانچه
سابق استخراج کردیم بود یه و کا و قومنا علیه الکواکب السبعه
استخراج تقویم شمس تقویم آفتاب بنصف النهار مقدم یه د م
ونصف النهار موخر یه د لی بهت آفتاب نز ساعات

بعد ماضی یه و این را در بهت شمس ضرب کردیم حاصل شد
یه ا یه حاصل ضرب را بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد
له یه این را بر تقویم آفتاب بنصف النهار مقدم افزودیم
تقویم شمس بوقت مطلوب حاصل آمد یه د یه یه استخراج تقویم
قمر تقویم قمر بنصف النهار مقدم ا لا لط تقویم قمر بنصف
النهار موخر و یه ل بهت قمر یه نا ساعات بعد یه و
این را در بهت قمر ضرب کردیم حاصل شد و لط ی حاصل
ضرب را بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد لح یه
خارج را بر تقویم قمر بنصف النهار مقدم افزودیم تقویم قمر

بوقت مطلوب حاصل آمد ٠ دمه استخراج تقویم زحل

تقویم زحل بنصف النهار مقدم ٠و٠ و بنصف النهار مؤخر

٠و٠ هبت زحل د بعد ماضی یه و هبت را در بعد ضرب

کردیم و حاصل را که هبت ا ی که بر بیست و چهار قسمت کردیم

خارج شد مه خارج قسمت را بر تقویم زحل بنصف النهار

مقدم افزودیم تقویم زحل بوقت سقوط حاصل آمد ٠و٠ مطه

استخراج تقویم مشتری تقویم مشتری بنصف النهار مقدم ماو

تقویم مشتری بنصف النهار موخر مالو هبت مشتری د

ساعات بعد ماضی یه و هبت را در ساعات بعد ضرب

کردیم

کردیم حاصل شد لالو این را بر کد قسمت کردیم و خارج قسمت

را که هبت وما چون مشتری راجع است از تقویم مشتری بنصف

النهار مقدم نقصان کردیم تقویم مشتری بوقت مطلوب باقی

ماند مامطه استخراج تقویم مریخ تقویم مریخ بنصف النهار مقدم

کط ز تقویم مریخ بنصف النهار موخر کط ن هبت مریخ ه دقیقه

ساعات بعد ماضی یه و هبت را در بعد ضرب کردیم حاصل شد

عط ه حاصل را بر کد قسمت کردیم خارج شد ٠ ه

خارج قسمت را بر تقویم مریخ بنصف النهار مقدم افزودیم

تقویم مریخ بوقت مطلوب حاصل شد کط نه استخراج تقویم زهره

تقویم زهره بنصف النهار مقدم ه ل ه تقویم زهره بنصف النهار

موخر ه م ساعت زهره لا ساعات بعد ماضی یه و ساعت

زهره در ساعات بعد ضرب کردیم و حاصل را که بیست

دل و بر کد قسمت کردیم خارج شد طه خارج قسمت را

از تقویم زهره بنصف النهار مقدم نقصان کردیم تقویم بوقت

ولادت باقی ماند ه یو نو نه استخراج تقویم عطارد

تقویم عطارد بنصف النهار مقدم د ط ا تقویم عطارد بنصف

النهار موخر و کا ا ساعت عطارد ا ل ساعات بعد ماضی یه و

ساعت را در ساعات بعد ضرب کردیم حاصل شد سه ط ٤

حاصل ضرب را بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد

نه سه خارج قسمت را بر تقویم عطارد بنصف النهار مقدم افزودیم

تقویمش بوقت سقوط نطفه حاصل آمد د ه لو سه استخراج تقویم راس

فیه تقویم راس بنصف النهار مقدم د ل ا و بنصف النهار موخر

د ط ٤ ساعت راس ح ساعات بعد ماضی سه و

ساعات بعد را در ساعت راس ضرب کردیم حاصل شد

٤ حاصل را بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد ا نا

خارج قسمت را از تقویم راس بنصف النهار مقدم نقصان کردیم

تقویم بوقت ولادت باقی ماند د ل ط ط استخراج طالع اجتماع

مقابله بر ماه تقویم شمس بنصف النهار مقدم ا د ط تقویم شمس
بنصف النهار موخر ا د س تقویم قمر بنصف النهار موخر ه کط و
تقویم قمر بنصف النهار موخر ا لا له بهت شمس نح دقیقه بهت
قمر ح ط دقیقه بهت شمس را از بهت قمر نقصان کردیم
بهت معدل باقی ماند م کا دقیقه پس در نصف النهار مقدم
بر اجتماع تقویم قمر از تقویم شمس اسقاط کردیم بعد ماضی ماند لب
بازاء بهت معدل و بعد ماضی ساعات بر داشتیم بود
ح نا م ساعات نصف النهار مقدم د لو چون ساعات
بعد ماضی زیاده از ساعات نصف النهار مقدم بود ساعات

نصف النهار را از ساعات بعد نقصان کردیم ساعات وقت
اجتماع باقی ماند گذشته از شب پنجشنبه بیست و نهم هلالی شهر
شهر شوال المکرم د نه م این را در به ضرب کردیم دایر
از وقت غروب آفتاب حاصل شد لو نه ل این را
نگاه داشتیم و ساعات بعد ماضی را در بهت آفتاب ضرب
کردیم و حاصل را که بهت ح ط ا ل بر بیست و چهار قسمت
کردیم حصه بهت شمس از نصف النهار مقدم تا زمان اجتماع
خارج شد ط لب این را بر تقویم شمس بنصف النهار
مقدم افزودیم تقویم آفتاب بوقت اجتماع حاصل شد ا د لو ل

واین جزو اجتماع است پس چون اجتماع در شب واقع بود مطالع

بلدی نظیر جزو شمس بوقت اجتماع گرفتیم بود دسه لا لب این را

با انچه نگاه داشته بودیم جمع نمودیم شد مطالع طالع شلا له

این را در جدول مطالع البروج عرض بلد ولادت معکوس

کردیم شد طالع اجتماع سه یه د باز این مطالع طالع را در جدول

مطالع البروج عرض بلد ولا بفلک مستقیم محسوب من اول

الجدی معکوس کردیم شد عاشر یه ده استخراج عمل قسمة البیوت

بطریق مشهور در تقویم منجمان

مطالع طالع بعرض بلد ولادت چنانچه سابق استخراج

کردیم بود شلا له مطالع طالع بفلک مستقیم محسوب من اول

الجدی نه له م مطالع بلدی طالع را از مطالع بالقبه ان اسقاط

کردیم باقی ماند نصف قوس النهار رفا ده یه م این را بر سه

قسمت کردیم سدس قوس النهار خارج شد ه ه کط

این را بر مطالع بلدی طالع افزودیم شد مطالع حادی عشر

مح له ل باز سدس قوس النهار را بر مطالع حادی عشر

افزودیم شد مطالع ثانی عشر یه د پس سدس دور بر مطالع

ثانی عشر افزودیم شد مطالع ثانی فه د باز ثلث دور بر مطالع

حادی عشر افزودیم شد مطالع ثالث قمح له ل پس این مطالعات

کردیم

را در جدول مطالع البروج بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی

معکوس کردیم بیرون آمد مرکز حادی عشر [illegible] مرکز ثانی عشر

[illegible] مرکز ثانی [illegible] مرکز ثالث [illegible] ومراکز

خانهای دیگر نظایر این خانهاست **استخراج تقاویم**

خمسه متحیره و عقد بین قمر در حین اجتماع مقدم

ساعات بعد ماضی چنانچه سابق استخراج کردیم بود [illegible]

پس بحسب این ساعات تقاویم کواکب و عقد بین قمر استخراج

کنیم **استخراج تقویم زحل** تقویم زحل بنصف النهار

مقدم [illegible] تقویم زحل بنصف النهار مؤخر [illegible] بهت زحل

[illegible] دقیقه ساعات بعد ماضی [illegible] ساعات بعد را در بهت زحل

ضرب کردیم حاصل شد [illegible] حاصل ضرب را بر [illegible] قسمت

کردیم و خارج را که بست [illegible] بر تقویم زحل بنصف النهار مقدم

افزودیم تقویمش بوقت مطلوب حاصل شد [illegible]

استخراج تقویم مشتری

تقویم مشتری بنصف النهار مقدم [illegible] تقویم مشتری بنصف

النهار موخر [illegible] بهت مشتری [illegible] دقیقه ساعات بعد ماضی

[illegible] این را در بهت مشتری ضرب کردیم و حاصل را که بست

[illegible] بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد [illegible]

خارج قسمت را بر تقویم مشتری بنصف النهار مقدم افزودیم تقویمش

بوقت اجتماع حاصل شد [illegible] استخراج تقویم مریخ

تقویم مریخ بنصف النهار مقدم ط م تقویم مریخ بنصف النهار

موخر ل کو بهت مریخ لط دقیقه بعد ماضی ی نه بهت را در بعد

ضرب کردیم حاصل شد ط ٤٤ این را بر کد قسمت کردیم خارج

ا را بر تقویم مریخ بنصف النهار مقدم افزودیم تقویمش بوقت

مطلوب حاصل شد ط ل استخراج تقویم زهره

تقویم زهره بنصف النهار مقدم ٤ ط و بنصف النهار موخر [illegible]

بهت زهره ا له بعد ماضی ی نه بهت زهره در بعد ضرب

کردیم حاصل شد ید حاصل ضرب را بر کد قسمت کردیم

خارج شد مح خارج قسمت را بر تقویم زهره بنصف النهار

مقدم افزودیم تقویم آن بوقت مطلوب حاصل شد ٤٤ م

استخراج تقویم عطارد

تقویم عطارد بنصف النهار مقدم اه ط تقویم عطارد بنصف

النهار موخر او ب بهت عطارد ا ط ساعات بعد

در بهت ضرب کردیم حاصل شد که ا ٤ حاصل را بعد

کد قسمت کردیم خارج را بر تقویم عطارد بنصف النهار مقدم

افزودیم تقویمش بوقت مطلوب حاصل شد او ا نط

استخراج تقویم راس

تقویم راس بنصف النهار مقدم بمه ه و بنصف النهار موخر
بمه د بهت راس ح بعد ماضی کا ساعات
بعد را در بهت ضرب کردیم حاصل شد مالو این را بر ک قسمت
کردیم و خارج قسمت را که هست ام از تقویم راس بنصف النهار
مقدم نقصان کردیم تقویم بوقت مطلوب باقی ماند بمه ۲ و

استخراج قران علویین مقدم بر ولادت با سعادت

تقویم زحل بنصف النهار مقدم ۲/۷ لو و بنصف النهار موخر ۲/۷ ما
تقویم مشتری بنصف النهار مقدم ۲/۷ لو و تقویم او بنصف النهار موخر ۲/۷ [illegible]
بهت زحل ه دقیقه بهت مشتری [illegible] دقیقه چون هر دو کوکب

مستقیم بودند بهت اقل را از اکثر نقصان کردیم بهت معدل
باقی ماند ٤ه دقیقه پس در نصف النهار مقدم تقویم مشتری را
از تقویم زحل اسقاط نمودیم باقی ماند ٤٤ح و این بعد ماضی است
پس بازاء بهت معدل و بعد ماضی ساعات برداشتیم
بود [illegible] و ساعات نصف النهار مقدم بوده لو چون
ساعات بعد ماضی زیاده از ساعات نصف النهار بود
ساعات نصف النهار را از ساعات بعد نقصان کردیم باقی
ماند ٤٢ دقیقه از شب پنجشنبه نهم شهر ذیقعده الحرام سنه ۱۱۹۶
گذشته و این وقت قران علویین مقدم است بر ولادت

استخراج طالع قران علویین مقدم

ساعات وقت قران را که بود ح د در اجزای یکساعت
حقیقی شبانروز قران که بست نه . نه ضرب کردیم حاصل
شد س . لح د برج را بدرجه تجنیس نمودیم شد و ایرا از وقت که
از اول شب ط لح د پس تقویم شمس بوقت غروب استخراج
نمودیم بود دم ح ح مطالع نظیر جزو شمس بعرض قبة الارض
گرفتیم شد نه له ه این را با دایر جمع نمودیم مطالع طالع حاصل شد
قمو فه ل مطالع طالع را در جدول مطالع البروج بعرض
قبة الارض یعنی عرض ل معکوس کردیم طالع وقت قران

خارج شد ه . ه ا باز همین مطالع طالع را در جدول مطالع
البروج بفلک مستقیم معکوس کردیم شد عاشر طالع قران د ل د

استخراج بیوت ابن بطریق شمسی

مطالع طالع بعرض قبة الارض قمر فه ل مطالع طالع بفلک
مستقیم محسوب من اول الجدی ه لح د . تفاوت بین المطالعین
صو نه ل ثلثش گرفتیم شد لد د ه این را بر مطالع طالع بعرض
قبة الارض افزودیم شد مطالع حادی عشر قه ا د باز همان
ثلث را بر مطالع حادی افزودیم شد مطالع ثانی عشر ح س لح ل
پس سدس دور بر مطالع ثانی عشر افزودیم شد مطالع ثانی

ز عـ / لط له باز ثلث دور بر مطالع حادی عشر افزودیم شد

مطالع ثالث شه ما د پس این مطالعات را در جدول مطالع

البروج بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی معکوس کردیم

بیرون آمد مرکز حادی عشر ح ط ما مرکز ثانی عشر ه ط یه مرکز ثانی

د و ه مرکز ثالث د ه ما وخانهای دیگر نظایر این خانهاست

استخراج تقاویم کواکب و عقدتین شمس و قمر حین قران علویین مقدمه

ساعات اتصال را که هست ح ح با ساعات نصف

النهار مقدم که هست ه لو جمع کردیم شد مه / ی این را از بیست

وچهار ساعت نقصان کردیم باقی ماند ساعات بعد مستقبل

لط لو پس باین ساعات تقاویم کواکب استخراج کنیم

استخراج تقویم آفتاب

تقویم شمس نصف النهار مقدم د ح ی تقویم شمس نصف النهار

موخر د ح نط بهت شمس نط دقیقه بعد مستقبل لط لو

بهت شمس را در ساعات بعد ضرب کردیم حاصل شد

لا کو / ی این را بر / ی قسمت کردیم خارج شد ح لو ثانیه

خارج قسمت را از تقویم شمس نصف النهار موخر نقصان نمودیم

تقویم شمس بوقت قران باقی ماند د ح لا / ی استخراج تقویم قمر

تقویم قمر نصف النهار مقدم کو لو تقویم قمر نصف النهار موخر

ما لط ح بهت قمر کج دقیقه ساعات بعد لط لو ساعات بعد را

در بهت قمر ضرب کردیم و حاصل را که هست د مه ط بر کد قسمت

کردیم خارج شده ه ه ه این را از تقویم قمر نصف النهار موخر

نقصان کردیم تقویم قمر بوقت مطلوب باقی ماند ما ح لط ط

استخراج تقویم زحل

تقویم زحل نصف النهار مقدم کد لو و نصف النهار موخر

کد ا بهت زحل و دقیقه این را در ساعات بعد مستقبل

ضرب کردیم حاصل شد ط ع ع حاصل ضرب را بر کد

قسمت کردیم و خارج را که هست ع ه از تقویم زحل نصف النها

موخر نقصان کردیم تقویم زحل بوقت مطلوب حاصل شد کد ط لط ع

استخراج تقویم مشتری

چون زحل و مشتری مقارن میباشند تقویم مشتری بعینه تقویم زحل است

استخراج تقویم مریخ

تقویم مریخ نصف النهار مقدم د ه ه تقویم مریخ نصف النهار موخر

د ه ه بهت مریخ ع لط این را در ساعات بعد ضرب کردیم

حاصل شد د مه ط حاصل ضرب را بر کد قسمت کردیم خارج شد

ه ه ثانیه این را از تقویم موخر مریخ کاستیم تقویم مریخ بوقت

مطلوب حاصل آمد د ه لو ط استخراج تقویم زهره

تقویم زهره بنصف النهار مقدم د ح ه و بنصف النهار موخر

د ید کا بهت ا ه این را در ساعات بعد مستقبل ضرب کردیم

وحاصل را که هست د مد د بر کد قسمت کردیم خارج شد

کد ثانیه این را از تقویم زهره بنصف النهار موخر نقصان کردیم

تقویم زهره بوقت قران حاصل آمد د مد د استخراج

تقویم عطارد بوقت قران علویین مقدم بر ولادت

تقویم عطارد بنصف النهار مقدم د ید کا و بنصف النهار موخر

د ه کا بهت عطارد د ه این را در ساعات بعد ضرب کردیم

حاصل شد د د حاصل ضرب را بر بهت کد قسمت کردیم و خارج

قسمت را که هست ب کد ثانیه از تقویم عطارد بنصف النهار موخر

اسقاط کردیم تقویم عطارد بوقت مطلوب باقی ماند د ه ب کد

استخراج تقویم راس

تقویم راس بنصف النهار مقدم د ح و بنصف النهار موخر

د ه ه بهتش د ح دقیقه بهت راس را در ساعات بعد

ضرب کردیم حاصل شد ددد این را بر کد قسمت کردیم خارج

قسمت را که هست ا ه ثانیه بر تقویم راس بنصف النهار موخر

افزودیم تقویم راس بوقت قران علویین حاصل شد د د ه

وچون طالع قران علویین بسبب بطو حرکت ایشان بتحقیق معلوم

نمیشود و معتمد علیه نیست بعضی طالع سال قران را بدل آن بکار دارند

بناء علیه ما نیز طالع تحویل سال قران را استخراج نموده در جدول

بنهیم تا بوقت حاجت موجود باشد استخراج وقت تحویل

شمس بنقطهٔ اول حمل در سال قران علویین مقدم بر ولادت

تقویم شمس نصف النهار مقدم ما کط ٤ و نصف النهار مؤخر

٩٤٤ بهت یکدرجه بعد ماضی حاصل کردیم شد ٤٤ بعد مستقبل

٩٤٤ پس هر یک از بعد ماضی و مستقبل را در شصت و چهار ضرب

کردیم شد بعد ماضی ٩٨٤ حاصل ضرب بعد مستقبل ٤ ط

پس هر یک ازین دو حاصل ضرب را بر بهت شمس قسمت

کردیم خارج شد ساعات بعد ماضی ٤٩ بعد مستقبل ٤ ط

پس هر یک ازین دو حاصل ضرب را بر بهت شمس قسمت کردیم

خارج شد ساعات بعد ماضی ٤٩ و ساعات بعد مستقبل

ط پس چون اقرب بعدین بعد ماضی است و ساعات

آن کمتر از ساعات نصف النهار است ساعات بعد ماضی را

با ساعات نصف النهار که هست د٤٤ جمع کردیم حاصل شد

٤٤ ٤ و این ساعات تحویل است که گذشته از روز چهارشنبه

پنجم شهر ربیع الثانی سنه ١١٩٦ ناقصه هجریه و باین ساعات طالع

تحویل استخراج میکنیم استخراج طالع تحویل سال قران علویین مقدم

ساعات تحویل را که بود [illegible] در اجزای یکساعت حقیقی روز
تحویل که هست [illegible] ضرب کردیم حاصل شد [illegible] این را بدرجه
مجنس ساختیم شد دایر از وقت طلوع قسلا [illegible] پس تقویم آفتاب بوقت
طلوع استخراج کردیم بود [illegible] مطالع تقویم آفتاب بوقت
طلوع گرفتیم شد شنط [illegible] این را با دایر جمع کردیم و چون از دور
زیاده شد دور از او اسقاط کردیم باقی ماند مطالع طالع
قسه لو این را در جدول مطالع البروج بعرض قبة الارض معکوس
کردیم طالع حاصل شد [illegible] باز همین مطالع طالع را
در جدول مطالع البروج بفلک مستقیم معکوس کردیم عاشر

حاصل

حاصل شد [illegible] **استخراج تسویة البیوت بعمل مستوی**
مطالع طالع بعرض قبة الارض بود قسه لو مطالع فلک مستقیم
درجه طالع حاصل کردیم شد [illegible] مطالع طالع بعرض قبة الارض
از ان اسقاط کردیم باقی ماند [illegible] این را بر سه قسمت کردیم
ثلثش خارج شد [illegible] این را بر مطالع طالع بعرض قبة الارض
افزودیم شد [illegible] و این مطالع حادی عشر باشد پس همان ثلث را
بر مطالع حادی عشر افزودیم حاصل شد [illegible] و این مطالع ثانی
عشر باشد پس سدس دور بر مطالع ثانی عشر افزودیم شد
[illegible] و این مطالع ثانی باشد پس ثلث دور بر مطالع حادی

عشر افزودیم حاصل شد شو ٧ ه واین مطالع ثالث باشد

پس انمطالعات را در جدول مطالع البروج بفلک مستقیم معکوس

کردیم شد مرکز حادی عشر ده ٤ مرکز ثانی عشر مه ٦ مرکز ثانی

د یو ٤ مرکز ثالث ده نو وچهار خانه دیگر نظایر این خانها باشد

استخراج تقاویم کواکب سبعه غیر قمر بوقت تحویل سال [illegible]

ساعات بعد ماضی چنانچه سابق استخراج کردیم بود

٤ م پس بحساب این ساعات تقاویم کواکب استخراج

کنیم

استخراج تقویم قمر

تقویم قمر بنصف النهار مقدم ٠ ل د وبنصف النهار موخر

٠ ک ل بهبت قمر يو ل ساعات بعد ماضی ٤ م بهبت

قمر را در ساعات بعد ضرب کردیم حاصل شد ٤٤٤١ این را بر

٧ قسمت کردیم خارج شد ٠ ل دقیقه این را بر تقویم قمر بنصف

النهار مقدم افزودیم تقویم قمر بوقت تحویل حاصل آمد و شد

٠ ما لو استخراج تقویم زحل تقویم زحل بنصف النهار مقدم

٤ کط ن و بنصف النهار موخر ٤ کط ن بهبتش باشد ٠٤ دقیقه

ساعات بعد ماضی ٤ م این را در بهبت زحل ضرب کردیم

وحاصل را که هست ٤ م لو بر ٧ قسمت کردیم خارج شد

٧٤ ثانیه این را بر تقویم زحل بنصف النهار مقدم افزودیم

تقویم زحل بوقت مطلوب حاصل شد ه کط له ز ا استخراج

تقویم مشتری تقویم مشتری بنصف النهار مقدم ه یا ه د تقویم

مشتری بنصف النهار موخر ه یا ه [illegible] بهت نه این را در ساعات

بعد ضرب کردیم حاصل شد ٤ ٧ ٤ این را بر ساعات شبانروز

قسمت کردیم خارج شد ٤ ا دقیقه این را بر تقویم مشتری بنصف

النهار مقدم افزودیم تقویم مشتری بوقت تحویل حاصل شد

ه یا ه استخراج تقویم مریخ

تقویم مریخ بنصف النهار مقدم ا ه [illegible] تقویم مریخ بنصف النهار

مؤخر [illegible] بهتش لط دقیقه این را در ساعات بعد ماضی

ضرب کردیم و حاصل را که هست ح [illegible] بر بیست و چهار

قسمت کردیم خارج شد ٤ ب ثانیه این را بر تقویم بنصف النهار

قبل افزودیم تقویم مریخ بوقت مطلوب حاصل شد ا ه ه ٤

استخراج تقویم زهره

تقویم زهره بنصف النهار مقدم ٤ ا ٤ و بنصف النهار موخر

٤ ا د بهت زهره له دقیقه ساعات بعد ماضی ٤ ٩

بهت زهره را در ساعات بعد ماضی ضرب کردیم حاصل شد

. ل لو این را بر بیست و چهار قسمت کردیم و خارج را که هست [illegible]

چون زهره راجع است از تقویم روز قبل اسقاط کردیم تقویم

زهره بوقت تحویل حاصل شد ۱۰ الو استخراج تقویم عطارد

تقویم عطارد بنصف النهار مقدم ۱۸ ۶ و بنصف النهار موخر

ا ک ۶ بهت عطارد ۴۱ دقیقه ساعات بعد ماضی ۴ م

بهت عطارد در ساعات ضرب کردیم حاصل شد

۴۸۴ این را بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد ۴ ل

چون عطارد راجع است خارج را از تقویم عطارد بنصف النهار

مقدم نقصان کردیم تقویم عطارد بوقت مطلوب باقی

ماند ۱۸ ۰ استخراج تقویم راس و ذنب تقویم راس قمر

بنصف النهار مقدم ۴ ر و و بنصف النهار موخر ۴ ر ل

بهت راس چهار دقیقه ساعات بعد ماضی ۴ م بهت را در بعد

ضرب کردیم و حاصل را که هست ۴ ط ل بر ۲۴ قسمت کردیم

خارج شد ۴ ثانیه این را از تقویم راس (تقویم ذنب) بوقت مطلوب

باقی ماند ۴ ر ه ذکر کیفیت هیلاج و کدخدا و عطیه کدخدا

و تعدیل آن در زیادت و نقصان و خواص آن

چون بعون الله تعالی و حسن توفیقه از استخراج درجه طالع

و ممودارات و تسویت البیوت و مواضع کواکب در حین و

ولادت و سایر اعمال حسابی که دلایل کیفیت عمر مولودات

فارغ شدیم خواستیم که در دانستن کمیت عمر مولود شروع

نمائیم و دلایل کمیت عمرها دو نوع است یکی دلیل جان و
و دیگر دلیل تن که بقای عمر باین دو چیز است و دلیل جان را
هیلاج خوانند و دلیل تن را کدخداه نامند و هیلاج بطریق
اصالت نیز نوبت است و بطریق بدل نزد دیگر بدان سبب
که یکی ینبوع قوه حیوانی است و دیگر ینبوع قوه طبیعی که جان بدین
دو قوه قائم است و چون یکی ازین دو نیز هیلاجی را نشاید آنگاه
تعلق بنباع هر دو کنند و نباع این دو سه است یکی سهم سعادت
و دیگر جزو اجتماع و سوم جزو استقبال مقدم و چون یکی ازین سه هیچ سهم هیلاج را
نشاید بضرورت تمسک بدرجه طالع کنند بدان سبب که پس ازین بیان



ایشان هیچ دلیلی از دلایل جان قوی تر از درجه طالع نیست برای
آنکه درجه طالع در میان برج طالع چون جان است میان قالب تن
و ازین جهت مآثر او نسبت بمولود قوی تر است پس از زیرین از
همه درجات فلک و طریق استخراج هیلاج نزد هرمس و بطلمیوس
چنان است که در طالع روزی نخست بشمس نگرند اگر در طالع
باشد یا در دهم یا در یازدهم یا در هفتم یا در نهم هیلاج باشد
و اگر نه پس بقمر اگر در یکی ازین پنج خانه باشد یا در سیم و چهارم و
پنجم هیلاج بود و بعضی از اهل احکام اگر قمر در زایل وتد باشد نیز هیلاج
گیرند و اگر قمر نیز هیلاج نباشد پس بنگرد در طالع اجتماعی نخست بجزو اجتماع

پس بسهم سعادت و در طالع استقبالی بخت بسهم سعادت

پس بجزو استقبال اگر در وتد باشد یا مایل وتد هیلاج باشد

و اگر نیز نباشد انگاه هیلاج درجه طالع بود و اما در طالع شبی قمر را

بر شمس مقدم کن و همان شرط و ترتیب بکار دارند و آغاز

هر خانه پنج درجه پیش از درجه وی دارند و اگر نه ممکن نباشد که شمس

بروز در طالع و بشب در سابع بود مگر براین طریق و طریق استخراج

کدخدا آنست که یکی از هفت هرا غم است مستولی بر درجه هیلاج (هیلاج)

کمیت باتصال نظر یا اتصال طبع آن کدخدا باشد و اتصال

نظر برج جایز است و اگر بدرجه باشد بهتر و اتصال طبع جز بدرجه

نبود و اگر هیلاج در بیت خود باشد کدخدا هم او بود چنانکه شمس اگر هیلاج

باشد چون در اسد بود کدخدا هم او باشد و اگر هیلاج در شرف خود

باشد و حد او و بیت ساقط بود کدخدا نیز او بود و اگر چند کوکب

بر درجه هیلاج مستولی باشد آن یک که قوه بیشتر دارد کدخدا باشد

و اگر در قوه مساوی باشند آن یک که بدرجات نزدیکتر باشد

کدخدا بود و اگر بقوه و نزدیکی مساوی باشند یا یکی در قوه بیشتر و دیگری (دیگری)

بدرجات نزدیکتر باشد هر دو کدخدا باشند و اگر کدخدا

محترق بود کدخدائی را نشاید و اگر هیلاج را کدخدا نباشد کد

کدخدائی را نشاید و هر کوکبی را در کدخدائی عمر سه عطیت است

کبری و وسطی و صغری و چون کدخدا منحوس نباشد خاصه رجعت
و تحت الشعاع و بر درجه وتد بود خاصه درجه طالع یا عاشر عطیت
وسطی دهد و اگر بر درجه زایل وتد افتد خاصه در نهم عطیه صغری
دهد و اگر مابین وتد مایل وتد مایل و یا مابین مایل وتد و زایل وتد واقع
شود عطیتی دهد ما بین العطیتین و چون یکی از سعدین یا عطارد مسعود
بکدخدا در حین ولادت متصل شود از قران یا تسدیس یا تثلیث در عطیه
آن کدخدا زیاده کند و نظر تسدیس و تثلیث نیز بهمین حال دارد
و مجاسده با راس هم مزید است و اگر یکی از نحسین یا ذنب یا عطارد
منحوس از قران و تربیع و مقابله بکدخدا متصل شود از عطیه آن کدخدا

نقصان کند و مجاسده با ذنب هم منقص است و اگر آن سعد
یا نحس در درجه وتدی بود عطیه صغری خود زیاده یا نقصان کند
و اگر در درجه مایل وتدی بود عطیه صغری خود زیاده کند و نقصان
نیز کند و اگر در درجه زایل وتدی بود ثلث عطیه صغری خود زیاده
و نقصان کند و اگر مابین وتد و مایل وتد یا مابین مایل و زایل قدر
قدر زیاده و نقصان بحسب موضع او بود **مثال جهت استخراج**
هیلاج و کدخدا در این طالع مبارک همیون
چون طالع نهاری بود نخست نظر بشمس کردیم چون در بیت
دوازدهم است هیلاج را شایسته نباشد پس نظر بقمر کردیم

چون در مایل وتد است بزعم هرمس وبطلیموس او نیز شایسته
هیلاجیت باشد و بزعم بعضی از اهل احکام هیلاج باشد
بعد از آن نظر بتجزیه و اجتماع مقدم نمودیم چون در بیت دوازدهم بود
او نیز هیلاج نبود پس از آن نظر بسهم السعاده نمودیم او نیز در زایل
وتد بود و شایسته هیلاج نبود پس بزعم هرمس و بطلیموس
منحصر در درجه طالع بود و بزعم بعضی از اهل احکام قمر و درجه طالع هر
دو هیلاج باشد و چون قمر در خانه خود است کدخدا هم بود و کدخدا
بر درجه طالع مشتری باشد و چون ما هیلاج و کدخدا در
این طالع مبارک مشخص کردیم عطیه کدخدا و زیادت زواید و

نقصان نواقص را نیز استخراج نماییم ان شاء الله تعالی

استخراج عطیه قمر

تقویم قمر ده نه لا در میان مایل وتد و زایل وتد عطیتی دیدیم مابین عطیه وسطی
وصغری درجه مایل وتد کط له ه درجه زایل وتد [illegible] بعد قمر از
مایل وتد گرفتیم بود [illegible] عطیه وسطی قمر سو ل عطیه صغری قمر
که ٤ مابین العطیتین ا ل بعد قمر را در مابین العطیتین ضرب
کردیم حاصل شد [illegible] مابین درجتین مایل و زایل گرفتیم بود
٩٩٨ حاصل ضرب را بر مابین درجتین مایل و زایل قسمت
کردیم خارج شد ا ح و این را از عطیه وسطی قمر نقصان کردیم

عطیه معدل قمر بحسب موضع او باقی ماند نه سی به و این پنجاه و پنج سال
شمسی و پنجاه و هفت روز و نه ساعت و سی و شش دقیقه است

استخراج زیادت آفتاب

تقویم آفتاب ا ا لا ما بین زایل الوتد و وتد طالع بعد آفتاب
از زایل الوتد گرفتیم بود لا کا لد ثلث عطیه صغری آفتاب ده
این را در بعد آفتاب ضرب کردیم حاصل شد لد و نه مرکز وتد
طالع ء ح ۰ ه مرکز زایل الوتد ا ا م ط تفاوت بین المرکزین
ا ه ه ه حاصل ضرب را بر تفاوت بین المرکزین قسمت
کردیم خارج شد تعدیل نه ه این را بر ثلث عطیه صغری آفتاب

که هست ده افزودیم حاصل شد د ه ه این را بر عطیه معدله
قمر افزودیم عطیه قمر بعد از زیادت آفتاب حاصل شد سه ا ا
و این شصت و دو سال شمسی و هشتاد و ده روز و دو ساعت و
بیست و چهار دقیقه است استخراج زیادت زهره
تقویم زهره ا ح ا ما بین وتد و زایل وتد و بعد زهره از زایل الوتد
گرفتیم بود ا کد ه ثلث عطیه صغری زهره ۰ م این را در بعد زهره
ضرب کردیم حاصل شد ح م لد مرکز وتد طالع ۰ ۰ ه ه مرکز زایل
الوتد ا ا م ط تفاوت بین المرکزین ا ه ه ه حاصل ضرب را
بر تفاوت بین المرکزین قسمت کردیم خارج شد تعدیل د و

این را بر ثلث عطیه صغری زهره که ست ۰ م افزودیم حاصل شد
۰ و کو این را بر عطیه قمر بعد از زیادت آفتاب افزودیم
عطیه قمر بعد از زیادت زواید حاصل آمد سه که د واین شصت
و پنج سال شمسی و پنجاه و شانزده ساعت و چهل و هشت دقیقه
باشد استخراج عطیه مشتری تقویم مشتری ء ره له ما بین
مایل وتد و زایل وتد عطیتین د یه ما بین عطیه وسطی و صغری
درجه مایل وتد ا ۷ ء ۹ درجه زایل وتد ا ا م ط بعد مشتری از زایل
وتد گرفتیم بود ه ط نه عطیه وسطی مشتری م ل عطیه صغری مشتری
ه ء ما بین العطیتین لح ل بعد مشتری را در ما بین العطیتین

ضرب کردیم حاصل شد و نه ه له ما بین درجتین مایل و زایل گرفتیم
بود ا و فه حاصل ضرب را بر ما بین درجتین مایل و زایل قسمت کردیم
خارج شد و ه این را از عطیه وسطی مشتری نقصان کردیم
عطیه معدله مشتری نخست موضع او باقی ماند لط له ه واین سی و نه
سال شمسی و پنج ماه و بیست و هشت روز و شانزده ساعت و چهل و
هشت دقیقه است استخراج نقصان جزء تقویم قمر ه ه نه ا
در میان مایل الوتد و زایل الوتد بعد قمر از مایل وتد گرفتیم بود د هر ه
این را در ثلث عطیه صغری قمر که هست ے هر ضرب کردیم حاصل شد
نه ه ح هر درجه مایل وتد به له له ۹ درجه زایل وتد ه ۹ ء نه ما بین درجه

مایل وزایل ۹۹۹ حاصل ضرب را بر این قسمت کردیم خارج شد

... این را از دو ثلث عطیه صغری قمر که هست ... نقصان

کردیم باقی ماند ... این را از عطیه معدله مشتری نقصان کردیم

عطیه مشتری بعد از نقصان قمر باقی ماند ... و این بیست

و چهار سال شمسی و دو ماه و پنجده روز و نه ساعت و سی و شش

دقیقه است پس این را با عطیه معدله قمر بعد از زیادت زواید

جمع کردیم حاصل شد ... و این نود سال شمسی و سه ماه و نوزده

روز و دو ساعت و بیست و چهار دقیقه است که نود و سه سال قمری

و بیست و پنج روز باشد و این عمر طبیعی مولود مبارک است

اگر دلایل قاطعی نرسد ان شاء الله تعالی بعمر طبیعی خواهد رسید

زایجه طالع سال قران علو بن مقلد بن ولادة

میزان
سنبله
اسد
سرطان
عقرب
قوس
جوزا
قمر
زحل
ثور
مریخ
راس
جدی
حوت
حمل
دلو
عطارد
زهره

زایجه طالع قران علویین مقدم بر ولادة و مواضع کواکب و عقدتین و قمر و سهام ضروریة

مستولی	مستولی	مستولی
اسد	سنبلة	شمس زهرة میزان مریخ عطارد عقرب
سرطان		
جوزا	مستعلی مبتنیة والی الثلثه نزل النوبة	قوس زحل مشتری
ثور راس حمل	حوت قمر	جدی دلو

جدول مواضع کواکب بوقت سقوط نطفه صاحبه

الکواکب السبعة	المواضع	الانقلابات	البیوت	الحدود	الوجوه	الاثنی عشریه	المثلثات
زحل	٠ ا ط ح	ه	بر	ل	مه	ح	ه ل ب
المشتری	ا مه و ط	ب	ه	ب	مه	ب	ح ه ب
المریخ	ح ح نو	ب	ر	مه	ر	ر	ب مه ل
الشمس	مه ر ه مه	مه	کا	ه	ل	ه	ب مه ل
الزهرة	مه لا نو	مه	کا	ل	مه	ل	ب مه ل
عطارد	و مه لو کا	ر	ب	ب	ر	ب	ح ه ر
القمر	٠ ر مه ح	مه	بر	ب	ب	مه	مه ل ب
الرأس	و ط لا ط	ب	ب	ه	ه	ه	ح ه ر
الذنب	ط ط ط	مه	ح	ب	ب	ح	ر ه ح
سهم السعادة	ه ه مه لا	مه	مه	مه	مه	ح	ر ه ح
سهم الغیب	ا ی لا ه	ه	ر	ه	مه	ر	ر ه ح
سهم السلطان	٠ کی ی ب	مه	بر	ل	مه	ح	مه ل ب

جدول مراكز بيوت طالع بطريقة مشهور ومعمول

البيوت الاثني عشر	مراكز البيوت	الصواحب	الاشرافات	الحدود	الوجوه	الاعتبار	المثلثات
مركز طالع	٨٩٥٠	د	[illegible]	د	ى	س	ل د ى
مركز ثاني	٠ ط ل ٩	د	[illegible]	ل	س	ه	ل د ى
مركز ثالث	د ٨ سا ٣	ر	ى	ى	ر	خ	ه خ ر
مركز رابع	٠ ٢ ك ط	س	[illegible]	د	ى	ى	س ى ل
مركز خامس	٥ ٧ ٤ ٩	د	د	ل	د	د	ه ر خ
مركز سادس	ر ١ م ط	خ	[illegible]	خ	خ	خ	ه خ ر
مركز سابع	٢ ٥ ٩ ٨	ى	ر	ى	د	ل	س ى ل
مركز ثامن	٢ ك ط ل ٩	ى	ر	خ	ل	خ	س ى ل
مركز تاسع	ط ٨ ٤ ٠	ل	خ	ل	س	ه	ه ر خ
مركز عاشر	سا ك ط	ل	[illegible]	ى	د	د	ل د ى
مركز حادي عشر	ا ٧ ٤ ٩	ى	ه	ل	خ	ى	ه خ ر
مركز ثاني عشر	ا ١ م ط	ه	ر	ه	د	ه	ه ر ى

دائرة ارباب حظوظ وصفات درجات مواضعها

السهام	المراكز	البيوت	الاشرافات	الحدود	الوجوه	المثلثات
سهم الروح للمرض	٤ ا ٠	خ	س	ه	س	س ى ل
سهم الروح لكويس	ا ٩ ح	ه	ر	خ	ل	ه ر خ
سهم الخصومات	ا ك ط ٤	ى	ه	ل	خ	ه خ ر
سهم الموت	٢ ك ٥	ى	[illegible]	ل	ل	س ى ل
سهم الارث	سا ٤ ٦	ل	[illegible]	ل	ر	ل د ى
سهم الخوف	ا ٤ ٣	ه	ر	د	د	ه ر خ
سهم سفر البر	ط ا ر	ل	خ	د	ى	ه ر خ
سهم سفر الماء	٠ ك ط	د	[illegible]	خ	س	ل د ى
سهم الورع	٤ ٨ لا	خ	س	خ	ه	س ى ل
سهم العلم والحلم	٠ ط ٦	د	[illegible]	خ	خ	ل د ى

جدول مواضع سهام ضروریه در طالع

السهام	المواضع	البيوت	الازمان	الحدود	الوجوه	المثلثات
سهم الشرف	د ر لا	ز	ی	ه	ه	ه ح ز
سهم النصر والغلبة	د کـ ا	ز	ی	ی	ز	ه ی ز
سهم الملك والسلطان	٠ ح ع	ه	زر	ل	ه	ل ه ی
سهم الملك [illegible]	ی کو کا	ل	ط	ل	ز	ل ه ی
سهم الامر	ه ح ل	ح	ط	ه	ل	ح س ل
سهم العمل والرجا	٤ ا ٠	ح	ح	ه	ح	ح س ل
سهم الاصدقا	٤ ٨ ط	ح	ح	ح	ه	ح س ل
سهم المعشوق	٤ کط ۴	ح	ح	ل	ه	ح س ل
سهم المعشوق [illegible]	و ٩ کـ	ه	ل	ه	س	ب ه ل
سهم [illegible] الفرس	٠ ه کـ	ه	زر	ه	ی	ل ه ی

منجمان وارباب حظوظ وصفات درجات انها

البيوت الاثنی عشر	درجات البيوت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
بیت طالع	٠٠٥۴٨	ه	ح	ح	ز	ز	نیره
بیت ثانی	٠ کط لط ٤	ل	ی	ز	ه	ز	قسمه
بیت ثالث	د ٨ ح ٤	ی	ه	ل	ه	ز	مرجه
بیت رابع	ی ی ط	ی	ح	ه	ل	ز	خالیه
بیت خامس	٥ ٤ ٧ ٤	ه	ز	ح	ح	ز	منجح
بیت سادس	ر ١ م ط	ح	ح	ز	ح	ز	قسمه
بیت سابع	ح ٥ ۴ ٨	ی	ز	ه	ح	ز	نیره
بیت ثامن	ی لط لا ٤	ح	ه	ی	ل	ز	قسمه
بیت تاسع	ط ٨ ح ٤	ه	ی	ز	ه	ز	خالیه
بیت عاشر	ی ر ط	ه	ز	ح	ه	ز	نیره
بیت حادی عشر	ا ٤ ۴ ٤	ح	ح	ل	ز	ی	خالیه
بیت ثانی عشر	١١ م ط	ه	ز	ل	ه	ز	قسمه

جدول مراكز بيوت طالع بطريق مغربيان

البيوت على طريق المغربي	مراكز البيوت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مركز طالع	٩٤٥٠٠	ه	كر	ه	ـ	حه	ل ه ـ
مركز ثاني	٠ كط زه	ه	كر	ل	حر	ه	ل ه ـ
مركز ثالث	ح ٧ـ١	ل	ـ	ـ	ل	ـ	ه ح د
مركز رابع	م ٤ كط	حه	ك	ه	ـ	ـ	ل ـ حر ـ ل
مركز خامس	٥ ٧ـ١	ه	ه	ل	ه	ه	ه د ح
مركز سادس	د كط زه	ه	ل	ح	ـ	ه	ل ه ـ
مركز سابع	٩٤٥٢	ـ	دن	ـ	ه	ل	ل حر ـ ل
مركز ثامن	٢ كط زه	ـ	ذب	ح	ل	ح	ل حر ـ ل
مركز تاسع	ل ٧ـ١	ل	ح	ل	حر	ه	ه د ح
مركز عاشر	٤ كط	ل	ك	ـ	ه	ه	ل ه ـ
مركز حادي عشر	١ ٧ـ١	ـ	ه	ل	ح	ـ	ه ح د
مركز ثاني عشر	٤ كط زه	ح	حه	ل	ه	ـ	ل ـ حر ـ ل

وارباب خطوط وصفات درجات مذكوره

البيوت على طريق المغربي	مراكز البيوت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مركز طالع	٩٤٥٠٠	ه	حه	ك	د	ـ	منتج
مركز ثاني	٠ كط زه	ل	ـ	ه	ه	ـ	عقيم
مركز ثالث	ح ٧ـ١	ـ	ه	ل	ه	ـ	منتج
مركز رابع	م ٤ كط	ـ	حه	ه	ل	ـ	خالية
مركز خامس	٥ ٧ـ١	ه	د	حه	حه	ـ	منتج
مركز سادس	د كط زه	ه	حه	ه	حه	ـ	خالية
مركز سابع	٩٤٥٢	ـ	د	ه	ح	ـ	منتج
مركز ثامن	٢ كط زه	حه	ه	ـ	ل	ـ	عقيم
مركز تاسع	ط ٧ـ١	ه	ـ	حه	ه	ـ	خالية
مركز عاشر	٢ ٤ كط	ه	د	ـ	ه	ـ	منتج
مركز حادي عشر	١ ٧ـ١	ح	ح	ل	ح	ـ	خالية
مركز ثاني عشر	٤ كط زه	ـ	ل	ـ	ـ	د	مظلمة

جدول مواضع كواكب سبعه سنه در حين

الكواكب	الفقات	البيوت	الاشراف	العقود	الرجعه	الاوجعيه	المثلثات
زحل	٠ ١ ٤ ٤ ٤	ه	ابر	ل	هو	ه	ا د ب
المشترى	ط و د ٤	ط	به	ه	ط	ه	ل ب هو
المريخ	ك ن ه ٠ ٠	ه	ابر	ه	ط	ط	ل د ب
الشمس	ل ا ا ا	ه	ب	ه	ب	ه	ه ب ط
الزهرة	ا د ١	ه	ب	ه	ه	ه	ه ب ط
عطارد	ا ه د د	ه	ب	ل	ل	ل	ه ب ط
القمر	د ه ن ا	ب	ب	ط	ه	ه	ه ط ب
الراس	٠ ٧ ن	ه	ابر	ل	هه	ب	ل د ب
الذنب	ط ٧ ن	ب	دب	ل	ل	ب	هو ب ل
جزوهقدر	ا ف ح ل	ه	ب	ه	ه	ه	د ه ط

ولادت باسعادتده ارباب خطوط درجاتنها

الكواكب	الفقات	المرئيات	الاوجهان	الهبوط	النوبتين	الطالع	الاثنى عشر
زحل	٠ ١ ٤ ٤ ٤	ل	ب	ه	ه	ب	قسمه
المشترى	ط و د ٤	ط	ط	هه	ه	ب	مطلقه
المريخ	ك ن ه ٠ ٠	ه	ط	ب	ل	ب	سنه
الشمس	ل ا ا ا	ه	ه	ب	ط	ب	خالصه
الزهرة	ا د ١	ه	ب	ه	ل	ب	سنه
عطارد	ا ه د د	ل	ه	ط	هه	ب	خالصه
القمر	د ه ن ا	ب	ل	ل	هه	ب	قسمه
الراس	٠ ٧ ن	ل	ب	هه	ه	ب	قسمه
الذنب	ط ٧ ن	هه	ه	ب	ط	ب	قسمه
جزوهقدر	ا ف ح ل	ه	ب	ه	ب	ب	منيره

جدول مواضع سهام مستعمله در طالع میمون

السهام	المواضع	ارباب البیوت	الاشراف	الحدود	الوجوه	الاثنی عشریه	المثلثات
سهم الغیب	ی ب خ	ط	مر	ه	مر	مر	ل مر ب
سهم السعاده	ه ی ل	مر	لا	ب	ل	مر	ل مر ب
سهم بطل العقد	ح ط ل	ل	ب	ه	ه	ه	ل ط ه
سهم النصر و الظفر	ی ا ه	ه	ار	ه	ب	ه	ب ه ل
سهم الشجاعه	ح ٩ ٩	ل	ب	ب	ل	ط	ل ط ه
سهم المحبه و الالفه	ا ب ب	ل	لا	ب	ه	مر	ب ه ل
سهم الجبله	ه که لط	ه	ه	ل	ه	ل	ط ل ه
سهم الفکر و التدبیر	ص ا ا	ه	ل	ه	ه	ه	ط ل ه
سهم الحق	کو ه	مر	لا	ط	ط	ه	ل ب مر
سهم الثبات و البقاء	کا ه ب	ل	لا	ب	ل	مر	ب ه ل

وارباب خطوط و صفات درجات مواضع آنها

السهام	المواضع	ارباب الفصل	الاوتاد	الحدود	الوجوه	الاثنی عشریه	المثلثات
سهم النطق و العقل	خ ٧ ٠	ه	ار	ل	مر	ب	ب ه ل
سهم المال	ل ا و	ل	ب	ه	ه	ط	ل ط ه
سهم العشق	ا ه ا	[illegible]	ل	ب	ل	ط	ط ب ه
سهم الاخوه	٠ ه ا	ب	ه	ب	ب	ه	ل ط ه
سهم عدد الاخوه	ا ه ا	ه	ل	ب	ل	ط	ط ب ه
سهم موت الاخوه	و خ ا	ب	ه	ب	ب	مر	ل ط ه
سهم الاب	ل که ٠	ه	ار	ط	مر	ب	ب ه ل
سهم موت الاب	٠ ه ا	ب	ه	ب	ب	ه	ل ط ه
سهم الاجداد	ب ی و	ل	ب	ط	ه	ل	ل ط ه
سهم العقار للفرس	ا ط ی	ط	مر	ه	مر	ط	ل ب مر

زايچه طالع اجتماع مقدم بر ولادت باسعادت
و مواضع كواكب سبعه و عقدتين قمر و سهام

مستوى

دلو

حوت مشترى

حمل زهره

جدى

قوس قمر

ذنب

عقرب

عطارد

ثور

برج

زحل مريخ

جوزا

سرطان

اسد

سنبله

ميزان

شهر النهوض
مبنية
في الآستانه
ربع للكل
... ساعت

جدول مواضع سهام در حين ولادت همايون

السهام	المواضع	البيوت	الاوتاد	الحدود	الوجوه	المثلثات
سهم الغائب	٠ كح لا	م	مر	ه	ح	ل ه س
سهم الصنع والشغل	٠ كح لا	م	مر	ه	ح	ل ه س
سهم عز الأمور	ع ا ٠	ح	م	ه	م	ل س م
سهم الولد	ه كو سا	م	ط	ل	ح	ل س م
سهم ... الذكور	ا ط خ	س	٥	ح	س	ه ح د
سهم ولد الذكور	ا د ف	س	٥	ه	ل	ه ح د
سهم ولد الاناث	ع ٠ ف	ح	م	س	ح	ل س م
سهم الامراض للعقل	ا كز نا	ه	د	س	ل	ه ب ح
سهم الامراض المقيمة	٠ كح	م	مر	ل	م	ل ه س
سهم العبيد	د ر نا	د	س	م	م	ه ح د

زايجهٔ طالع سقوط نطفهٔ مباركهٔ ميمونه

البيوت الاثنا عشر	مراكز البيوت	ارباب البيوت	ارباب الاشراف	ارباب الحدود	ارباب الوجوه	ارباب عشرين	ارباب المثلثات
الطالع	و ه نو ما	ر	س	ح	ه	ه	ع ط ی
مركز الثاني	و ط ۹ خ	ر	س	ل	ی	ه	ع ط ی
مركز ثالث	ه ۷ ا ح	م	ط	ح	ح	ه	س م ل
مركز رابع	ه ک ط ط	ه	[illegible]	ح	ه	ه	ی ه ح
مركز خامس	و ط ف ا	ه	ل	ح	س	ه	ه ل س
مركز سادس	ح و ل ا ر	س	ر	س	ه	ل	س م ل
مركز سابع	ط ه ف ا	ل	ح	ه	س	س	ی ه ح
مركز ثامن	ط ط ۹ خ	ل	ط	ح	م	س	ی ه ح
مركز تاسع	ح ۷ ا ح	ل	ط	ح	ی	ح	ه ل س
مركز عاشر	ا ک ط خ	س	ه	ل	ح	ح	ح ه ی
مركز حادي عشر	ه ط ف ا	ح	س	ل	ه	س	س م ل
مركز ثاني عشر	. و ل ا ر	ه	ر	ی	س	ر	ه ل س

مباركه وارباب حظوظ وصفات درجاتنها

السهام	الدرج	ارباب البيوت	ارباب الاشراف	ارباب الحدود	ارباب الوجوه	ارباب المثلثات
سهم الاعداء للعدا	ا ه ۲	ه	ی	س	ل	ه ی ح
سهم السجن الوقت ما	ح ح ل	ر	س	ه	ه	ه ح ی
سهم القتال	ا ه ۲	[illegible]	ی	س	ل	ه ی ح
سهم الغائب	ا ط د	س	ه	س	س	ه ح ی
سهم المكر والحيلة	و ع ط	ر	س	ه	ه	ه ح ی
سهم العلاج	ه ه ۵	م	ط	س	ل	م س ل
سهم الفرض	. ا ع	ه	ر	ه	س	ل ه س
سهم الفلاحة	ه ٤ ل	م	ط	س	ل	م س ل
سهم المكر والحيلة	ا ۸ ح	ه	ی	ح	ل	ه ی ح
سهم الغنى	ا ۸ ح	ه	ی	ح	ه	ه ی ح

جدول اطوال وعروض وجهة عرض واقدار

الكواكب	الطول	العرض	جهة العرض	الاقدار	مزاج الكواكب
جناح الفرس	ى د لا	ك ح	شم	٠	مريخ عطارد
المثلث	ى ط و	لج ل	شم	ح	مريخ
سرة الفرس	ى ما ل	كا سه	شم	٠	مريخ عطارد
منكب ايسر مسلسلة	ى لد له	كح سه	شم	ه	عطارد
آخر النهر	ى هر لط	مه نح	ج	١	مشتري زهرة
منكب ايمن مسلسلة	ى هر نه	نا كو	شم	ه	عطارد
[illegible]	ى كا لط	مه سه	شم	ه	عطارد
جنب المسلسلة	ى لد سه	لو سه	شم	ه	زهرة
مقدم السرطان	ا ا سه	لو د	شم	ح	مريخ زحل
مؤخر السرطان	ا ٠ د	لا د	سه	ح	مريخ زحل

واقدار كواكب ثابتة [illegible]

الكواكب	الطول	العرض	جهة العرض	الاقدار	مزاج الكواكب
كف الخضيب	ا ح ب	كو ه	شم	ح	زحل زهرة
رأس ذات الكرسي	ا ح ل	مو ع	شم	ح	زحل زهرة
رأس المثلث	ا ه لط	ود ه	شم	ح	عطارد
ذات الكرسي	ا ه له	كو ه	شم	ح	زهرة
الناطح الحمل	ا ه ىه	لا لا	شم	ح	مريخ زحل
رجل المسلسلة	ا ما م	لو مو	شم	ح	زهرة
ركبة ذات الكرسي	ا ىه له	مه مه	شم	ح	زحل زهرة
قطع الثاني	ا هر نه	مه د	ج	ه	مريخ مشتري
قطع الأول	ا كا لط	كح د	ج	ه	مريخ مشتري
معصم الثريا	ا كا له	نه م	شم	[illegible]	مريخ عطارد

جدول مواضع كواكب ثوابت درجين

الكواكب	الطول	العرض	جهة العرض	الأقدار	أمزجتها
رأس الغول	ا كا د	كد	ش	٠	مريخ عطارد
وسط الثريا	ا ط —	د ه	ش	ه	مريخ
الشراعي	ا ط م	سه ل	ش	د	مريخ
عاتق الثريا	ا كط ل	ب ل	ش	د	مريخ عطارد
مرفق الثريا	. ى و	كط كا	ش	٠	مريخ عطارد
منكب الثريا	. و و	ب ل	ش	اد	
عين الثور	. د م	ه ه	ج	ا	مريخ
ذات الارنب	. ه ط	لط ل	ج	ه	زحل عطارد
رجل الجوزاء	. ه لا	لا ك	ج	ا	زحل مشتري
الكتف اليسرى	. ك ى	ب ه	ج	٠	مريخ عطارد

ولادنيا سعادت وامزجه واقدارنها

الكواكب	الطول	العرض	جهة العرض	الأقدار	أمزجتها
مقدم المنطقة	. ط و	ح ن	ج	٠	زحل مشتري
العيوق	. ط ن	كه	ش	ا	مريخ عطارد
كعب ذو العنان	. ه ه	ه ه	ش	٠	مريخ عطارد
رأس الجبار	. ه م	ى ل	ج	ه	مريخ عطارد
وسط المنطقة	. ط ط	كا لو	ج	٠	زحل مشتري
مؤخر المنطقة	. ك ى	كا ك	ج	٠	زحل مشتري
رجل اليمنى	. م ط	ا كا	ج	٠	زحل مشتري
الجدي	. ك كا	س ك	ش	ج	زحل مشتري
منكب الجوزاء	. س ك	لو ه	ج	ا	زحل مشتري
معصم ذي العنان	. و ن	ى ل	ش	ج	مريخ عطارد

جدول مواضع تقويمي وعرضي وجهت عرضي

اسم الكواكب	التقاويم	العروض	جهة العروض	الاقدار	امزجتها
منكب ذو العنان	. كط ا	كا ل	شم	٠	مريخ عطارد
زبانا وجنوبي	ز د ط	ط ه	ج	ه	مشتري عطارد
شعري يمانيه	ز ا ل	لط ل	ج	ا	مشتري زحل
سهيل	ز ا ط	عه ٤	ج	ا	زحل مشتري
رأس الكلب	ز ب ا	ل مه	ج	ه	زحل زهره
سماك رأس الكلب	ز د م	كه مه	ج	ه	زحل زهره
رأس التوأم المقدم	ز ب ن	ط ك	شم	٠	عطارد
مرزم الشعرى	ز ط ل	كر كا	ج	ج	عطارد مريخ
رأس التوأم المؤخر	ز كا د	د ل	شم	٠	مريخ زحل
شعري شاميه	ز م ا	بو ٤	ج	ا	عطارد مريخ

كواكب ثابته درجه حين الادوار وامزجه واقدار انها

اسم الكواكب	التقاويم	العروض	جهة العروض	الاقدار	امزجتها
ذنب كلب الاكبر	ز ك ل	د مه	ج	ج	زهره
زبانا شمالي	د ج و	ب ه	شم	ه	عطارد مشتري
الحمار الشمالي	د د ع	ج و	شم	ه	مريخ شمس
المعلف	د د ف	ا ٤	شم	ت	مريخ زحل
اظفار الذئب	د ه ل	ف مه	شم	ج	مريخ زحل
الحمار الجنوبي	د ه ف	٤ ه	ج	ه	مريخ شمس
منحر الشجاع	د ع ل	ب كا	شم	ج	زحل مريخ
انور الفرقدين	د ب ل	ع ٤	شم	٠	زحل مريخ
ظهر الدب الاكبر	د ه ل	ط كا	شم	٠	مريخ
منحر الاسد	د و ط	ب ط	شم	ه	مريخ

جدول تقاويم وعروض وجهة عروض واقدار

الكواكب	التقاويم	العرض	جهة العرض	الاقدار	امزجتهن
فرس السفينة	ه مه ط	ن لو	جه	٠	زحل مشتري
فقرة مانتبه	ه و ط	كط م	شه	ج	مريخ
راس الاسد الجنوبي	ه يد و	ط م	شه	ج	زحل مريخ
راس الاسد الشمالي	ه يد لا	س كا	جه	ج	زحل مريخ
اخو الفرد	ه ط ه	عه ٤	شه	ج	زحل زهره
فرد الشجاع	ه يا م	س ل	شه	٠	زحل زهره
جنوبي عنق الاسد	ه كه ل	ه يد	شه	ج	مريخ
منكب الاسد	ه يه ل	ط ٤	شه	٠	زحل مريخ
قلب الاسد الملكي	ه يه س	٤ ط	شه	ا	مريخ مشتري
الجوزن	ه ه م	ب ط	شه	٠	مريخ

وامزجة كواكب ثوابت در حين ولادت شريف

الكواكب	التقاويم	العرض	جهة العرض	الاقدار	امزجتهن
ظهر الاسد	ه يد ل	يه ط	شه	٠	زحل زهره
مقطع الفرس	ه ا ف	ا ه	شه	ج	زحل مشتري
العناق	ه ب ب	نو ه	شه	٠	مريخ
الصرفة	ه يد يد	س ٤	شه	ا	زحل زهره
فاعلة الباطن	ه كا ه	س م	شه	ه	زحل زهره
صغيرة الاسد	ه كط ب	يد س	شه	ب	زحل
كبد الاسد	ه س يه	م ه	شه	ج	مريخ
طرف الذنب	ه يا ط	يه ط	شه	٠	مريخ
عرقي شماليه	ه كو ه	يا ا	جه	ه	عطارد مريخ
عرق جنوبيه	و و ه	ع	شه	ه	عطارد مريخ

بقية جدول تعاديل و عروض و جهة عرض و امزجه

اسماء الكواكب الثابتة	التعاديل	العروض	جهة العروض	اقدارها	امزجتها
منقار الغراب	د د ي	ب ه	سه	ج	مريخ زحل
زاوية العوا	د د س	٠ نا	سه	ج	مريخ زحل
جناح غراب ايمن	د د نه	ك لا	ج	ج	زهره عطارد
منقار الغراب	د ط س	س ع	ج	ج	زحل
مفرد الرامح	د د ق	ك ل	سه	ج	زهره عطارد
سماك الاعزل	د كا ط	٠ ط	ج	ا	زهره عطارد
رأس العوا	د كا ى	نا ى	سه	ه	عطارد مريخ
سماك الرامح	د كا ا	ك ا ل	[illegible]	ا	زهره عطارد
فخذ السبع	د كه د	بط ه	ج	ه	زحل مريخ
وسط السبع	د ى و	كه ه	ج	ه	عطارد مريخ

واقدار كواكب ثوابت در جنوب ولادت باشعار

اسماء الكواكب	التعاديل	العروض	جهة العروض	اقدارها	امزجتها
صفاح العوا	د ى و	ب ه	سه	ه	عطارد زحل
ظهر الفرس	د ج ب	ل ج	ج	ه	عطارد مريخ
فرس قنطورس	د ه ه	نا ب	ج	ه	زهره مريخ
ذنب الشجاع	د و ط	و ط	سه	ج	زحل زهره
نيرة الفكة	د ط و	ى ل	سه	ه	زهره عطارد
كفة جنوبية	د و ا	ي ج	سه	ج	زحل عطارد
كفة شمالية	د و د	ى ج	سه	ج	زحل
ركبة حامل [illegible]	د ط ع	ج ح	ج	ه	زهره مشتري
عنق الحية	د ط ل	س ع	سه	ج	زحل
[illegible]	د س م	ع ه	سه	ه	زحل مريخ

بقية جدول مواضع كواكب ثوابت در طول

الكواكب	الطول	العرض	جهة العرض	الاقدار	الامزجة
وسط الاكليل	ح ي د	ح ٠	ج	ج	مريخ
جبهة العقرب	ح ي ط	ب ل	ش	ه	مريخ زحل
طرف شمال الاكليل	ح ي لا	ا م	ج	-	مريخ مشتري
رجل قنطورس	ح ج ب	ط -	ج	ا	زهره مشتري
قلب العقرب	ح د كه	ه ل	ج	ه	مريخ مشتري
قسمر العوا	ح د ط	ج كا	ش	ه	مشتري مريخ
راس الجاثي	ح ج ه	ل ط	ش	ج	عطارد قمر
راس الحوا	ح و سه	له نا	ش	ج	زحل زهره
راس الجبر	ح كا ي	سه ل	ج	ه	زهره عطارد
كلب الراعي	ح سه ط	[illegible]	ش	ج	زحل زهره

وعرض وجهت عرض وامزجه واقدارانها

الكواكب	الطول	العرض	جهة العرض	الاقدار	الامزجة
تالي الشولة	ح كه ه	ط ه	ج	ط	شمس مريخ
راس الشنين	ح ط ه	ع د	ش	ج	مريخ زحل
زج النشابة	ح ل ي	د سه	ج	ج	مريخ قمر
الطرف الجنوبي من القوس	ط ٠ سه	ا سه	ج	ج	مشتري عطارد
الطرف الشمالي من القوس	ط و لا	٤ ٠	ج	ج	مشتري عطارد
تالي الاكليل	ط د و	كا ٤	ج	د	زحل عطارد
عين الرامي	ط - ي	٤ ط	ش	ظ	زحل عطارد
عرقوب الرامي	ط - ن	سه ٤	ج	ه	زحل عطارد
ركبة الرامي	ط و س	ل ٤	ج	ه	زحل عطارد
النسر الواقع	ط و ك	سه ٤	ش	ا	زهره عطارد

جدول مواضع طول وعرض وجهت عرض

اسامي كواكب	اطوالها	عروضها	جهت عرضها	اقدارها	امزجتها
ذنب العقاب	ط ب م	له ه	سه	ج	مريخ مشتري
مانع الفرس	ط ه ه	لط ح	سه	ه	مريخ مشتري
جناح العقاب	ط ل س	لا ع	سه	ج	مريخ مشتري
النسر الطائر	ط كط ط	كط ه	سه	ـ	مريخ مشتري
منقار الدجاجة	ط كط ط	ط ه	سه	ج	زهره عطارد
عنق الطائر	ـ ع ط	كو م	سه	ـ	مريخ مشتري
الحوت سعد الذابح	ـ ا ط	ه م	سه	ج	مريخ زهره
وسط السهم	ـ ا ط	ل م	سه	ه	مريخ زهره
الشمالي سعد الذابح	ـ ا م	د ه	سه	ج	مريخ زهره
ركبة اليسرى	ـ ه ـ	ل م	ج	ه	عطارد

كواكب ثوابت اقدارلري مزاجلري نهايتكم وكذا

اسامي كواكب	اطوالها	عروضها	جهت عرضها	اقدارها	امزجتها
ذنب الدلفين	ـ ا لا	كط ه	سه	ه	زحل مريخ
ذنب الجدي	ـ ه ل	ه .	ج	ج	مريخ عطارد
منكب ايمن دالي	ـ ه ن	لح ع	سه	ج	زحل عطارد
صدر الدجاجة	ـ م ل	ز نا	سه	ج	زهره عطارد
رأس الدالي	ـ كه كه	ه ه	سه	د	زحل عطارد
فم الفرس	ـ كط ل	ع س	سه	ج	مريخ عطارد
منكب عين دالي	ا ع م	ـ ط	سه	ج	زحل عطارد
فم الحوت الجنوبي	ا ا ل	كا ك	ج	ا	زحل عطارد
الردف	ا ج ه	ط م	سه	ـ	زهره عطارد
ذراع الايمن	ا ه ل	ل ع	سه	ج	زحل عطارد

بسم الله الرحمن الرحيم وبه ثقتی

هو العلیم الخبیر لا یعلم الغیب الا هو چون بعون الله تعالی
از تحقیق درجه طالع و تصحیح این نمودارات و تسویه البیوت و
استخراج تقاویم کواکب سبعه سیاره و عقدتین و مواضع
کواکب ثابته و سهام و دیگر دلایل حسابی که مدار احکام نجومی
بر انهاست فارغ گشتیم خواستیم که سطری چند از احکام نصوص
فصوص استادان این فن شریف بر حسب مدلولات اعمال سابقه
در سلک ترقیم و حیز تحریر در آوریم و از دلایل و مقتضیات اوضاع

و شواهد و تاثیرات اجرام سماوی مجملی باز نماییم و بالله الاعانه

القول علی احکام بیوت الاثنی عشر الطالع بیت الحیوة و النفس و البدن

طالع مجسمه مطالع برج جوزا خانه عطارد شرف راس حد عطارد
و وجه مشتری ارباب مثلثات زحل و عطارد و مشتری مستولی بر
نیز نوبت زهره مستولی بر درجه طالع مشتری و او مشرقی و مستعد
صورت طالع و والی تدبیر طالع است دلالت کند بر آنکه مولود
مبارک مسعود سفید رو و نیکو موی و متناسب الاعضا و مستوی
الخلقه و متوسط القامه و با وقار باشد و حرارت و رطوبت
در مزاج شریفش مستولی باشد چنانکه حکیم بطلمیوس قلودی فرموده

واذا کان المشتری مستولی علی المواضع التی قدمنا ذکرها
وکان شرقیا کان المولود فی حلیة حسن الشعر ابیض اللون
متوسط العینین حسن القامة والمقدار ذا وقار واما
مزاجه فیکون الغالب علی مزاجه الحرارة والرطوبة

و چون طالع فرخنده مطالع برج جوزاست و داخل ربع ربیعی
مقوی دلائل مذکوره بلکه و نیکوئی رنگ و رخسار و اعتدال مزاجست
چنانکه بطلمیوس حکیم فرموده که فان الربیع بالجملة الذی
من الاعتدال الربیعی الی الانقلاب الصیفی یصیر
المولود حسن القامة حسن اللون خصب البدن حسن

المجسطی

العینین الغالب علی مزاجه الحرارة والرطوبة
حکما فرموده اند که احوال بعضی بر دو قسم است خلقی و عقلی خلقی
بقمر تعلق دارد و عقلی بعطارد اما صفات خلقی در این مولود همایون
چون قمر در برج سرطان در بیت ثانی در خانه خود محظوظ بحظوظ
ذاتی و عرضی و مستولی بر موضع خود دلیل است بر آنکه مولود
مبارک مسعود نیکو اخلاق و زکی الطبع مایل بافعال خیر و صاحب
عفت و عدالت و حسن صورت و سیرت و نیکوئی معاشرت
و مستقیم الافعال و صادق الاقوال و خوش خوی باشد
اما صفات عقلی چون مستولی بر موضع عطارد زهره است

وزهره قوی حال است دلالت کند بر اصابت رای وحسن
تدبیر وکمال عقل وکیاست وفهم وفراست وتدبیر وتفکر در هر امر
وتانی وآرام وخیرخواهی [illegible] بطلمیوس حکیم فرموده است که
الشمس ینبوع القوة الحیوانیة والقمر ینبوع القوة
الطبیعیة وزحل ینبوع القوة الماسکة والمشتری
ینبوع القوة النامیة وعطارد ینبوع القوة الفکریة
والذکریة والمریخ ینبوع القوة الغضبیة والزهرة
ینبوع القوة الشهوانیة ولذلک یکون عطارد [illegible]
والزهرة ادلة علی اخلاق وصاحبة صناعة

پس هر کوکب از این کواکب که در زمان ولادت مسعود وقوی
حال باشد اثر این در مولود ظاهرتر باشد بنا بر این در اوضاع
این کواکب که مبادی این قوی اند تامل کردیم دلیل است
بر کمال قوه حیوانی وقوه طبیعی واعتدال مزاج وعلو همت و
متحلی بودن بزیور کمالات انسانی وفضایل نفسانی ومریخ
که ینبوع قوه غضبی است در بیت طالع دلالت میکند که گاهگاه
غضب وخشم بر مزاج مبارک استیلا یابد وسیاست عظیم فرمایند
وباندک ناملایمی که وقوع یابد شر عظیم در مزاج مبارک حادث
شود وبادشمنان بطریق مدارا وموجب سلوک نفرمایند ودر باب

سیاست و انتقام ارباب آن اهتمام تمام بعمل آورند و بر اعدا و مخالفان
مظفر و منصور باشند و زهره که منبع قوه شهوانیست در خانه و حد
و مثلثه خود در نهایت قوت و سعادت است دلالت کند بر آنکه
شاهزاده عالم مشغوف عیش کننده و لطیف طبع و مرفه الحال و
فارغ البال و بعیش و عشرت و لذات جسمانی و روحانی بسیار
رغبت مایل باشد و پیوسته متبسم و شادان و خرم و خندان و
محمود العاقبت باشد و در اکثر اوقات بتعلق و تعشق خلی باشد
و بعیش و عشرت گذرانند و با اهل طرب و مغنیان مخالطت بسیار کنند
و بتغنی و الحان شکوک بسیار مایل باشند و اکثر اوقات در نعمت و رفاهیت

وعیش و عشرت گذرانند انشاء الله تعالی و تقدس

الثانی بیت المال و المعاش و الخزائن و امثال ذلک

مرکز بیت ثانی طالع در برج جوزا خانه عطارد شرف راس حد زحل وجه
شمس ارباب مثلثات زحل و عطارد و مشتری مستولی بیت ثانی
قمر و قمر در خانه خود در نهایت سعادت و قوت است دلالت
میکند بر آنکه مال و منال زیاده از حد حصر بحیطه تصرف در آید
و تحصیل مال بسهولت و آسانی ممکن و میسر شود چنانکه گوشیار
حکیم فرموده است که قوة الاولاد و قوة المستولی علی امر
السعادة خاصة و صاحبها یدل علی المال الا و سعادة

وچون صاحب دوم که قمر است بصاحب دوازدهم که مشتری است
بنظر دفع دوستی ناظر است ومشتری در بیت الرجا واقع دلیل است
آنکه جمیع امیدات سائل صاحب طالع مبارک بحصول رسد واز تحف
وهدایا مال بسیار حاصل آید ومال ومنال دنیوی در نظر همت عالی
وقعی نداشته باشد واموال متکاثره از جایی که مظنه نداشته باشد
حاصل شود وهمیشه معیشت بروجهی نیکو گذرد وبرفاهیت واستراحت
گذرد واعوان وانصار صاحب طالع مبارک بسیار باشند واکابر
واشراف با او در مقام خدمتگذاری وجان نثاری باشند واز املاک
وضیاع وعقار منافع کلی حاصل آید وچون حمل مستولی بر مرکز

بیت ثانی ونزدیک درجه ثانی ورونده بسوی آن درجه
است دلالت کند برآنکه صاحب طالع خجسته مطالع بسیار همم وسخی
الطبع باشد وچون دلایل کسب مال قوی حال ومسعود ومشاهد
دلیل است برآنکه روز بروز مال ومنال بیفزاید ونقصانی در
مدخل بعون الله تعالی پدید نیاید والله اعلم بالصواب

الثالث بیت الاخوة والاخوات والاسفار القریبة

مرکز بیت سوم برج سرطان خانه قمر شرف مشتری حد مشتری
وجه قمر اوتاد مثلثات زهره ومریخ وقمر مستولی بر مرکز خانه
سوم قمر سهم الاخوة در برج دلو در بیت نهم ذورینوس حکیم فرموده

والثالث وصاحبه وسهم الاخوة والشمس وزحل دلیل

الاخوة الاکابر والمشتری والمریخ للاواسط وعطارد

للاصاغر یعنی مرکز سوم وصاحب او وصاحب سهم الاخوة

و آفتاب و زحل دلیل برادران بزرگ است و مشتری و مریخ

دلیل برادران اوسط و عطارد دلیل برادران کوچک ما در این

در این مولود همون نظر کردیم دلیل است برانکه میان صاحب طالع و برادران

و برادران بزرگ چندان صداقت و موافقتی نباشد و برادران اوسط

با صاحب طالع مبارک الفت و دوستی بمرتبه کمال باشد و قلباً

باشهزاده عالم در مقام دوستی و یکجهتی باشند و انچه بزبان اظهار

کنند

کنند مطابق و موافق نیت و باطن باشد و پیوسته در میان

ایشان ابواب مراسلات و تحف و هدایا مفتوح باشد و برادران

کوچک اگرچه بظاهر طریق وداد و اتحاد مسلوک دارند اما باطن

خالی از کدورت و مغایرتی نباشد و چون مستولی مرکز بیت

ثالث قوی حال و مقبول است دلالت کند برانکه از اقربا

و خویشان عالی منزلت فرح و خرمی بینند و لطایفه اکثر اوقات

بطریق خیرخواهی و خدمتگذاری سلوک نمایند و بسفرهای نزدیک

و صید و شکار بسیار مایل و راغب باشد و در صید و شکار

برشهزاده والاتبار بسیار خوش گذرد و از اسفار قریبه منافع

کلی حاصل آید و هر نقل و حرکتی نزدیک فرمایند باعث حصول
مطالب و مقاصد و موجب ازدیاد دولت و شوکت گردد ان شاء الله

الرابع بیت الآباء والضیاع والعقار والعاقبة

هر گرفت چهارم خانه شمس چه عطارد و چه مشتری ارباب مثلثات
شمس و مشتری و زحل مستولی بر درجه رابع آفتاب سهم الضیاع
والعقار در جوزا در بیت طالع مستولی بر موضع او زحل سهم الآباء
در سرطان نزدیک هر گرفت سوم مستولی بر موضع او و قمر مستولی
بر هر گرفت چهارم آفتاب دلیل است برانکه ولایات و ضیاع و عقار
بسیار بحیت تصرف در آید و منافع بسیار و فواید بیشمار از املاک

و ضیاع و عقار عاید گردد و چون خداوند بیت رابع و مستولی
بر درجه او و آفتاب بیت دلالت کند برانکه نواب اشرف والا بساختن
عمارات با نزهت و صفا بسیار مایل و راغب باشند و عمارات عالیه
بنا فرمایند و چون آفتاب در بیت دوازدهم منحوس باشد دلیل است
برانکه گاه گاه از قبل اهالی ولایات متصرفه بخلاف توقع بعضی
مکاره روی نماید ولیکن همیشه مخذول و منکوب و ذلیل بدکاران
اشرف والا باشند و چون سهم الآباء در برج سرطان و مستولی
بر موضع او قمر و قمر ناظر بعطارد که صاحب طالع است و ناظر
با آفتاب که صاحب رابع است بنظر تسدیس دفع قوت دلالت کند

برآنکه غایت وسعت مشاه جهان شاه روحنا وروح العالمین
فداه درباره صاحب طالع مبارک بدرجه اعلی و مرتبه قصوی
باشد واز جانب والد بزرگوار محظوظ و متمتع و با بهره باشند و
جمیع مهمات ملکی حسب الخواه میسر و مهیا گردد و عواقب جمیع امور
بخیر و خرمی انجامد و بر ضیاع و ولایات اعدا و دشمنان مسلط
و مستولی گردند واز اموال ایشان منافع کلی حاصل کنند
و با تسلط و اقتدار بندگان اشرف والا در ولایات
و ممالک متصرفه بحدی میرسد که ما فوق آن متصور نباشد واحدی
از بزرگان و اهالی آن مملکت را جرات نفس کشیدن بدون اذن

والی

و ترحص نواب اشرف والا باقی نماند و شوکت و قدرت اضعاف
مضاعف سالهای قبل گردد و بعد از آن اسباب دولت و روز بروز
شوکت و جلال سعادت طالع و اقبال در تزاید و تضاعف باشد

الخامس بیت الاولاد و الافراح و الهدایا

مرکز حوت خیم برج سنبله خانه عطارد شرف عطارد حد مریخ
وجه عطارد دار با مثلثات زهره و قمر و مریخ مستولی
بر درجه خامس عطارد و سهم الولد در برج اسد مستولی بر صنع
او آفتاب متصل تسدیس زحل و مریخ و تربیع عطارد و شمس
دلیل است بر کثرت اولاد ذکور و خرم بودن از فرزندان

کامکار چنانکه هرمس حکیم فرموده است که اتصال سهم الولد
بالکواکب یدل علی کثرة الولد وامتزاجه بالشمس یدل علی اکثره
الذکور و چون سهم السعادة و سهم الغیب در اثنی عشریه طالع در
برج مذکر اند دلالت کند برآنکه نواب اشرف والا را اولاد ذکور
بسیار باشد و از جانب فرزندان کامکار شادمان و خورسند
باشد چنانکه حکما فرموده اند که حلول سهم السعادة و سهم الغیب
واثنی عشریه الطالع والخامس والقمر وهو تبته فی البروج المذکره
یدل علی الاولاد الذکور و چون مرکز خانه پنجم و مستولی بر سهم الولد
واثنی عشریه پنجم و صاحبش و قمر در بروج مونث باشند دلالت

براولاد

براولاد اناث و چون دلایل ذکوریت اقوی و اسعد باشند
دلالت کند برآنکه اولاد ذکور حضرت شاهزاده کامکار زیاده از
اولاد اناث در وجود آیند و چون زهره در میتانی عمر در نصف
صاعد جنوبی و در نصف صاعد بروجی و شرقی است دلیل است
که پسر فرزندان در اوان جوانی و سن شباب در وجود آیند
چنانکه حکما فرموده اند که متی کان الزهرة فی نصف الصاعد
من الفلک وهی مشرقه یدل علی ان المولود یرزق ولده فی سن الشباب
و اولاد این ثبت دلالت کند برآنکه صاحب طالع همیون پیوسته روزگار
در نعم و شادمانی و عیش و کامرانی گذراند و عیش و عشرت و

ولعب بسیار مایل و راغب باشد ومنسوبات زهره و عشق جوانان

بغایت دوست دارند و اکثر اوقات از عشق و تعلق خالی نباشند

و از تحف و هدایا بهره‌مند باشند انشا الله تعالی و تقدس

السادس فی الامراض والعیوب اللواحق

مرکز بیت ششم برج عقرب خانه مریخ حد مریخ وجه مریخ از باب

مثلثات زهره و مریخ و قمر مستولی بر مرکز سادس زهره و سهم

الامراض در برج جوزا مقارن زحل و راس مستولی بر موضع

او زحل دلیل است بر قوه مزاج و صحت بدن و قلت ناخوشی

و انحراف مزاج و چون مستولی بر مرکز بیت سادس زهره است

دلالت

دلالت کند بر آنکه بتغیر مزاج و امراض مجموعه‌ها در ابتدا واقع و اگر

بر سبیل ندرت مرضی روی نماید بزودی رفع و عاقبت بخیر و عافیت

باشد و چون مستولی بر موضع سهم الامراض زحل و خداوند بیت سادس

مریخ و زحل و مریخ هر دو در بیت طالع باشند دلیل است بر آنکه

اغلب اوقات ناخوشی که عارض مزاج شریف شود ماده او از دم

و سودا باشد و گاه گاه اندک انحراف مزاجی بسبب فساد معده

و درد گرده بهم رسد و بزودی بصلاح [illegible] و نیز

این جهت دلیل است بر بسیاری خدم و حشم و بسیاری ملازمان مقبل

و ظهور خدمات پسندیده و بندگیهای لایق از جماعتی که منسوب زهره

و مریخ بوده باشند و چون مستولی بر مرکز ششم در بیت دوازدهم
مایل شده دلیل است بر آنکه گاهگاهی از بعضی ملازمان خطاهای چند بظهور
رسد که مستحق شبه و سیاست گردند و بعضی دیگر در ظاهر طریق خدمتگاری
و جان‌سپاری سلوک دارند و در باطن خالی از نفاق و خیانتی نباشند
و چون مرکز بیت السادس در مریخ شعاع زهره واقع شده است دلالت
کند بر آنکه کنیزکان مغنیه بسیار صبیح و غلامان وجیهه بسیار ملیح بتحت تصرف
درآید و خاطر مبارک مایل بایشان گردد و چون صاحب بیت السادس
در بیت طالع متمکن شده دلیل است بر آنکه تسلط بندگان از قسم والا برابر امکان
بمرتبه کمال بوده باشد و اسب و شتر و حیوانات درست استخوان بالکمال

مبارک آید و موهبت کلی باشد و مواشی و ستور عمر محصور تحت تصرف
درآید و دائما خاطر مبارک مایل بالصید و سواری و شکار بوده باشد

البیت السابع بیت الازواج والاضداد والخصماء الشرکاء

مرکز بیت هفتم خانه مشتری شرف ذنب حد مشتری وجه عطارد ابنا
مثلثات شمس و مشتری و زحل مستولی بر مرکز هفتم مشتری سهم
التزویج در برج حمل در بیت حادی عشر در دقیقه درجه مشتری
و مستولی بر موضع او مریخ و مریخ در بیت طالع ناظر مشتری
دلیل است بر آنکه نواب اشرف والا بتزویج و نکاح بسیار مایل
و راغب باشد و تزویج و نکاح متعدد فرمایند و خاطر مبارک

نسبت بزوجات مایل گردد و شفقت و التفات شاهزاده والا
تا نسبت بزوجات بحد کمال باشد و چون بیت خمس برج ذو
جسدین واقع شده و سهم التزویج و صاحب بیت التزویج اکثر
کواکب ناظر میشوند دلیل است بر بسیاری نکاح و تزویج و تعدد
زوجات چنانکه کوشیار حکیم فرموده است که اذا کان الاول
او اقوالها فی برج ذی جسدین او نظر الی اکثر من کوکب واحد
تزوج باکثر من واحد و چون قمر از اجتماع آفتاب گذشته
و باستقبال نرسیده دلیل است بر آنکه تزویج و نکاح بسیار
در سن شباب و اوان جوانی وقوع یابد بلکه در اوایل بلوغ

و سن صبی تزویج واقع شود چنانکه کوشیار حکیم فرموده است
القمر فی مولید الرجال اذا کان فیما بین الاجتماع و
الاستقبال تزوج فی حداثته او بعد نشأته
و ادله و شواهد این بخت دلیل است بر آنکه اقربا و خویشان
زوجات همه اوقات نسبت به بندگان اشرف والا در مقام
خدمتگذاری و جان نثاری بوده از روی خلوص خاطر و اخلاص
قلبی همیشه طریق خدمت و عبودیت و خیرخواهی مسلوک
دارند و شاهزاده عالم نیز بایشان بسیار رئوف و مهربان باشند
و کمال شفقت و مرحمت را درباره ایشان مبذول و پیوسته مراعات

جانب ایشان را مشمول همت رفیع خود ساخته الطاف و اشفاق
غیر متناهی نسبت بایشان بظهور رسد و همیشه بر اعدا و مخاصمین مظفر
و منصور باشند و اعادی دولت جاوید مدت پیوسته مخذول
و منکوب بندگان شرف والا بوده بر مخالفین و معاندین تسلط
و استیلای تام و تمام بهم رسد انشاء الله تعالی و تقدس

الثامن من بیت الخوف والنکبة والمواریث والکنوز

هرگاه بیت هشتم خانه مشتری برج شرف ذنب حد مریخ وجه زحل
ارباب مثلثات شمس و مشتری و زحل اثنی عشریه مریخ مستولی
بر مرکز بیت هشتم مشتری شرکت صاحب سهم الخوف در برج ثور شود

بیت دوازدهم مستولی بر موضع او زهره دلالت کند بر آنکه
صاحب طالع مبارک از مخاطرات و مخوفات سالم و ایمن باشد
و هر حادثه و نایبه که روی نماید بخیر و خوشی گذرد و عاقبت
بخیر و عافیت مبدل گردد و چون مستولی بر درجه بیت ثامن
مشتری است و مشتری در بیت یازدهم محظوظ بحظوظ ذاتی و عرضی
و از مناحس و مناقص بری میباشد دلیل است بر آنکه صاحب
طالع مبارک از منیات و حوادث عظیمه سالم بوده بعمر طبیعی
برسند و سبب موت تحلیل قوی غریزی باشد چنانکه حکما فرموده اند
کما ان کان المستولی علی الموت بریئا من المناحس و کان قویا فی موضعه

یدل علی الموت الطبیعیة وهی التی لا من قبل الامراض وقالوا
موضع دلیل الموت ان یکون فی العاشر او فی الحادی عشر
یموت المولود علی احسن الحال وان دلیلی قویست برانکه
صاحب طالع مبارک انشاء الله وتعالی بعمر طبیعی رسیده از
حوادث وسوانح مخوفه سالم باشد واز جاها که مظنه
نداشته باشد مال ومنال بسیار یابند واز گنور و ذخایر محظوظ
وبهره مند باشند واز اموال مواریث ومالی که برحصول
آن امید نداشته باشد محظوظ گردند انشاء الله وتعالی وتقدس

الباب التاسع فی بیت العلم والحلم والدین والسفر والتعبیر والرؤیا

مرکز سهم جاه زحل شرف مریخ حد زحل وجه شمس ارباب
مثلثات زهره وقمر ومریخ مستولی بر مرکز سهم زهره ببرکت
آفتاب سهم السفر در برج جدی در بیت امن مستولی بر موضع او
عطارد ببرکت مشتری دلالت کند برانکه صاحب طالع مبارک
بسیار دانا ودور اندیش وبزرگ منش وعادل طبیعت ورحیم دل
وخبیر باشد وبحقایق ودقایق اکثر امور ملک ودولت وریاست
عارف وعالم باشند وصاحب [illegible] صدق وفراست
وفطانت بوده حدسهای صواب اشرف کالا اکثر مطابق واقع
اتفاق افتد وبرامور خفیه واسرار ضمایر زود مطلع گردند

وسخنهای گزاف و محال قبول نفرمایند و بمجالست و مخالطت
فضلا و علما و ارباب کمال و دانایان مایل و شایق باشند و در امورات
عظیمه تدبیرات دقیق و دقیقات عمیق فرمایند و بفکر متین و رای
رزین هر مهم عظیم که پیشنهاد خاطر خطیر مهرنظیر فرمایند بسهولت و آسانی
بانجام رسانند و چون سهم السفر در برج جدی در بیت ثامن واقع شده
دلالت کند برآنکه سفرهای طولانی بجهه نواب اشرف والاکرم اتفاق
افتد و اگر بعمل نذرت سفری طولانی وقوع یابد [illegible]
طالع مبارک دران سفر چندان خوش نگذرد و مراتب و متمنیات
بر وفق خواهش بحصول نه پیوندد و لیکن چون صاحب بیت السفر

در بیت طالع مجاسد با راس میباشد دلالت کند برآنکه اسفار
بعیده که واقع شود کثیر المنفعه باشد و مال و منال بسیار حاصل شود

العاشر بیت الامر و الرفعه و السلطنه و الجاه و العمل

مرکز بیت عاشر خانه زحل حد مشتری وجه عطارد و ارباب
مثلثات زحل و عطارد و مشتری مستولی بر مرکز عاشر زحل
بشرکت مشتری و عطارد و مرکز عاشر و بیت عاشر در مطرح شعاع
و انوار جمیع کواکب و سهم الملک و السلطان در برج جوزا در
بیت طالع مستولی بر موضع او زحل دلیل است برآنکه صاحب
طالع بلند طالع پیوسته در نعمت و سعادت و کامرانی گذرانند

وهمواره در حشمت و دولت و شادکامی بسر برد و صاحب
تمکین و وقار بوده بلندهمت و رفیع منزلت و دلیر و شجاع و
مردانه و باسطوت و هیبت باشد و بر اعدا و دشمنان مظفر و منصور
گردند و چون صاحب بیت عاشر مستولی بر مرکزان وسهم الملک
واستیلان در بیت طالع محظوظ بحظوظ بسیار شده دلیل میباشد بر آنکه
اسباب دولت و سروری و ایالت و آلات شوکت و فرمان
دهی و حشمت علی کل حال بدون سعی و کوشش مهیا و مرتب گردد
و ذکر خیر شاهزاده عالم و صیت [illegible] مقدس
در اطراف و اکناف آفاق منتشر و مشتهر گردد و طبعش بعدل وداد

ودر

و راستی و رعیت پروری مایل بود و همیشه بخلوص نیت و صفای
عقیدت و بندگی و خدمتگذاری اعلی حضرت قدر قدرت ظل اللهی
جانفشانی نماید و پیوسته این شیوه را پیشنهاد خاطر خطیر ساخته
دقیقه از جان نثاری و خدمتگذاری تکاهل و تکاسل نورزند
و از جانب سعادت جوانب قبله عالم و عالمیان بانواع اشفاق
گوناگون و الطاف از حد افزون فایض و بهره مند گردند و در
امور بزرگی و حکمرانی و این سروری و فرمان روائی تدبیرات
دقیق و فکرهای عمیق فرمایند و آن باعث تزاید و تضاعف سعادت
ابدی و موجب تکاثر دولت سرمدی گردد و وقوع کوکب

قدر اول و دوم در اوتاد این طالع مبارک دلیل سعادتی
بزرگست چنانکه بطلموس حکیم فرموده است که الکواکب الثابتة
يعطى عطايا عظيمة خارجة عن النسبة

الحادی عشر بیت الرجاء والسعادة والاصدقاء

مرکز بیت یازدهم برج حوت خانه مشتری شرف زهره حد
مریخ وجه مریخ ارباب مثلثات زهره و مریخ و قمر مستولی بر
مرکز یازدهم مریخ بشرکت مشتری و زهره سهم الاصدقا
در برج حمل در بیت یازدهم مستولی بر موضع او مریخ بشرکت
مشتری دلالت کند برانکه صاحب طالع مبارک را دوستان

و دولت خواهان عالی رتبه و مخلصان و هواخواهان رفیع
مرتبت بسیار باشند و پیوسته طریق بندگی و جان نثاری بتقدیم رسانند
و شاهزاده عالم بواسطه حسن سیرت و سخا و عطا محبوب القلوب
خلایق باشند و جمیع مطالب و مقاصد صاحب طالع مبارک همیون
حسب المتمنی بحصول موصول آید و اگر همام رو فوق مرام انجام
پذیرد و متوجه هر امر معظم که شوند بر نهج مراد ساخته گردد و دول
بر هر چه نهند اگرچه تانی و تاخیر باشد عاقبت حسب دلخواه میسر
شود و علی کل حال حصول امانی و آمال و برآمدن حاجات و مهمات
بر وفق مدعا و متمنی باشد و مشرا و قات از قبل دوستان و

و دولت خواهان و بندگان فرحناک و خوشدل باشند و بعضی
اوقات در حصول بعضی مطالب تأخیر و تعویق واقع شود و باعث
قبض خاطر مبارک گردد و بالاخره مدعا حسب التمنی بحصول رسد
و در هر طریق بتوفیق و سعادت متمتع باشند ان شاء الله تعالی

الثانی عشر بیت الاعداء و الدواب و الشقاوة

هر گاه بیت دوازدهم برج ثور خانه زهره شرف قمر حد
زهره وجه عطارد ارباب مثلثات زهره و قمر و مریخ مستولی
بر درجه ثانی عشر زهره شرکت قمر سهم الاعدا در برج
ثور در بیت ثانی عشر مستولی بر موضع او زهره و زهره در بیت

ثانی عشر در خانه و حد و مثلثه خود دلیل است بر آنکه مخالفان
و معاندین شهر کسانی باشند که باید جان نثار و نیکخواه تر باشند
و اکثر اوقات بحسب ظاهر طریق دوستی و خیرخواهی و اخلاص
کیشی مسلوک دارند اما باطنا آثار نفاق و عناد در ایشان مندرج
و مستتر باشد و شاهزاده والاتبار اکثر اوقات بر اعدا و دشمنان
مظفر و منصور بوده ایشان مخذول و منکوب و ذلیل بندگان
اقدس والا بوده و لیکن بباید که از دشمنان و بداندیشان
بهمه جهة و از همه حیثیت طریقه احتیاط و احتراز مسلوک دارند و از
کید و مکر ایشان محترز باشد که بفضل الله تعالی اذیت و ضرری

ارشان بظهور رسد ان شاء الله تعالی و بعض اوقات بجهة صاحب
طالع مبارک دشمنان قوی بهم رسند و در اوایل حال نواب اشرف
والا اندک مضطرب و مشوش شوند و آخر الامر بعون و عنایت الهی
بر آنها مظفر و منصور گردند و چون صاحب بیت حادی عشر و مستولی
بر مرکز آن و مستولی بر موضع سهم الاعدا زهره است دلالت کند
بر آنکه گاه گاهی از طایفه زهره و به مخالفت و نا ملایم بظهور رسد
و موجب قبض خاطر گردد چنانکه ابو معشر آورده که متی کان رب البیت
الثانی عشر الزهرة کان اعداء المولود النساء والمؤنثين
و صاحب طالع مبارک در جمع نمودن و تحصیل کردن اسبهای بسیار

بگذ

تشکیل رهنر میل و شوقی تمام داشته باشد و چهارپایان
بسیار تشکیل بحت بتصرف در آورند و غالب اوقات بفرح
و انبساط گذرانند و از هموم و غموم فارغ باشند ان شاء الله تعالی

در استخراج طالع تحویل مبارک

خواستیم که در اول سال سیصد و شصتم شمسی از ولادت
مبارک طالع تحویل سنوی و سایر اعمال نجومی بجا آوریم
در جدول فضل الدور بارز ابیت و تعدیل آن شمسی فضل الدور
بر داشتیم بود [illegible] مطالع طالع اصل چنانکه سابق استخراج
کرده بودیم [illegible] + فضل الدور بر آن افزودیم مطالع طالع

تحویل سال مطلوب حاصل آمد ط لز ایزا در جدول مطالع
البروج عوض جدول ولادت معکوس کردیم بیرون آمد طالع
تحویل سال مطلوب ح و ه باز همین مطالع طالع را در
جدول مطالع البروج بفلک مستقیم محسوب من اول
الجدی معکوس کردیم خارج شد عاشر تحویل یا کا ـ
و مراکز بیوت دیگر و مواضع کواکب سبعه سیاره و عقدتین
و سهام ضروریه و برج انتها و دیگر دلایل طالع
فیروزی مطالع تحویل و مواضع انتها و تسییرات دلایل
طالع اصل منهی ست که در زایچه ثبت و نگارش می‌پذیرفته

زایچه طالع سیع... مطالع تحویل و برج انتها
و مواضع کواکب سبعه سیاره و سهام ضروریه

ثانی عشر الانتها	برج انتها الطالع	ثانی الانتها
طالع الاصل	ثانی الاصل	ثالث الاصل

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین هو العلیم الخبیر لا یعلم الغیب الا هو

از دلایل طالع حمل و تحویل و بروج انتها و تسییر انتهای سنوی

و شهوری و مرورات بمواضع اجرام و شعاعات سعد

و نحس و مواضع تسییرات و اوتاد اربعه و کواکب سبعه و قوی هیم و صاحب

دور و صاحب فرداز و صاحب نوبت و سایر دلایل چنان مفهوم

و مستفاد میگردد والعلم عند الله تعالی که درین سال فرخنده فال

بفضل و عنایت حضرت ملک متعال اکثر اوقات مزاج مبارک

از علل و امراض سالم بوده بصحت و سلامت گذرد و ملال و مکروه

جسمانی یا در اتفاق افتد و اگر چنانچه بر سبیل ندرت عارضه جزئی

روی نماید زود زایل و رفع و قاطع بحرون شود و چون برج انتها

و طالع تحویل موافق ثانی اصل واقع شده و صاحب طالع تحویل در بیت

ثانی میباشد دلالت کند بر آنکه درین سال فرخنده فال در تحصیل

مال و جمع نمودن اموال بسیار ساعی بوده جد و جهدی تمام بعمل

آورند و مال و منال بسیار جمع فرمایند و مدخل زیاده از سنواه

سابق بوده باشد لیکن چون مریخ در بیت ثانی میباشد دلالت کند

بر آنکه مخارج نیز زیاده از سنواه سابق بوده باشد و امیدات

مالی و جاهی حسب التمنی بوصول موصول آید و درین سال سعادت

اشتمال بعیش و عشرت و لهو و طرب بسیار مایل و راغب باشد و

و چون قمر صاحب طالع تحویل در برج اسهام شاهد دلیل است برآنکه
کارهای بزرگ در این سال از پیش رود و بر شوکت و دولت و عظمت
و تسلط و استیلای نواب اشرف والا بیفزاید و سعادات عظیم روی
نماید و جمیع مطالب و مقاصد بدرجه حصول رسد و دلالت کند برآنکه
شاهزاده والا تبار از جانب سعادت جوانب قبله عالم و عالمیان
روحنا فداه بانواع الطاف گوناگون و اشفاق روز افزون
محظوظ و بهره‌مند گردند و هر مشی و خواهشی که بفرمایند اگرچه بتعویق
و تأخیر باشد اخر الامر حسب المدعی انجام پذیرد و از املاک و ضیاع
و ولایات منافع کلی حاصل شود و بر حاسدان و مخالفان و بداندیشان

تسلط و استیلای تمام حاصل گردد و محتمل که در این سال سفری جدید
از جهت شاهزاده والا گهر واقع شود که باعث زیادتی شوکت
و تسلط و اقتدار بندگان اشرف شود و سعادتهای کلی روی نماید
و هر امر خطیر و مهم عظیم که منتهای خواطر انور است بسهولت و آسانی
از پیش رود و هر تدبیر و تمهیدی که بفرمایند بصواب مقرون باشد
و سخاوت و بذل و بخشش را پیشنهاد همت رفیع خود سازند و تا همه
عامه خلایق و رعایا و کافه مردمان و برایا از سر صدق و صفا
و امیدواری و خلوص نیت در لوازم حق گذاری و جان
نثاری مساعی جمیله تقدیم رسانند و در تربیت خدم و عبید

وملازمان کارآمد سعی و کوشش فرمایند و نسبت باشان نوازشهای
متواتره و بخششهای بیکرانه فرمایند و چون صاحب طالع تحویل را
با خداوند سابع نظر مودت و دوستی باشد دلیل است برآنکه شاهزاده‌ها
فرخنده اقبال در این سال فرخ فال بتزویج و نکاح بسار مایل و راغب
بوده تزویجات متعدده بجهه نواب اشرف والا واقع شود و مخدره
چند در عقد ازدواج درآید و چون صاحب بیت دش و سابع تحویل
و خداوند بیت حادی عشر در بیت حادی عشر مجتمع و شعاع و نور ایشان
بیکدیگر متقارب باشند دلالت کند برآنکه بعضی از مخالفان و بد
اندیشان که پیوسته در خاطر ایشان لوازم نفاق و بداندیشی مندرج

و مستتر بوده راه صدق و صفا پیش گیرند و در لوازم خدمتگذاری
و جان نثاری جد و جهدی تمام بعمل آورده خدمات پسندیده ایشان
بظهور رسد و در این سال فرخنده فال السعادة طالع مبارک بر شوکت
و دولت و اقتدار نواب اشرف والا بیفزاید و تسلط و استیلای
بندگان اقدس والا در ممالک متصرفه بیشتر از پیشتر شود و مداخل
و منافع سرزیاده از سنوات سابق عاید گردد و در این سال دوستان
و دولتخواهان را بانواع عنایتها و شفقتهای گوناگون مفتخر و مباهی
فرمایند و اعادی دولت ابد مقرون مخذول و ذلیل بندگان اشرف گردند
انشاء الله الحق حرره الداعی لابود الدولة العلیة العالیة الباهرة السلطانیة محمد